

۶
توسعه

پیامدهای ماشه

چگونه از فعال شدن مکانیسم ماشه جلوگیری کنیم؟

۷
جامعه

سونامی مصرف گل

دسترسی آزاد و ارزان به ماده مخدر گل

۸
حافظه

سقوط و فروپاشی

نگاهی به دولت‌های آموزگار و شریف‌امامی

توبیخ رئیس توسط وزیر

مواجهه لفظی وزیر علوم
و رئیس دانشگاه شهید بهشتی
بر سر ضعف امکانات رفاهی دانشجویان۷
کوچه

یادداشت روز

فرسودگی جمعی

جامعه‌ای که به عادت بحران خو می‌گیرد
نیازمند بازسازی فضاهاى امن گفت‌وگو است

الهام فخاری

روانشناس

در هفته‌های گذشته بیش از هر زمان دیگری نشانه‌های فرسودگی جمعی را در زندگی روزمره ایرانیان دیده‌ام. جنگ ۱۲ روزه اخیر اگرچه به پایان رسیده و زندگی در ظاهر به جریان معمول بازگشته است اما سایه‌اش همچنان بر روان جمعی سنگینی می‌کند. گفت‌وگوهای روزمره مردم در خانه، محل کار یا تاکسی سرشار از نگرانی و دل‌نگرانی‌های تکراری است. بسیاری می‌پرسند اگر دوباره جنگی آغاز شود چه خواهد شد؟ و این پرسش نه از سر تحلیل سیاسی بلکه از دل ترسی عمیق و تجربه‌ای زخم‌خورده برمی‌خیزد. عده‌ای با دیدن ازدحام پاساژها و بازارها چنین نتیجه می‌گیرند که جامعه شاد و پرنشاط است. این برداشت خطاست. حضور پرشمار مردم در خیابان الزاماً نشانه قدرت اجتماعی نیست. در حقیقت با مفهومی که جورجیو آگامبن مطرح کرده، بسیاری از «زندگانی‌ها» بدل شده‌اند؛ بدن‌هایی که در برابر فجایع دیگر نمی‌لرزند و به رخدادهای سهمگین واکنش نشان نمی‌دهند. آنچه امروز با آن روبه‌رو هستیم، ترکیبی است از خشونت‌های انباشته، بی‌افقی، تکرار بحران‌ها و انزوای اجتماعی. جامعه در نوعی تعلیق زندگی گرفتار آمده است: از نگاه فوکو، انضباط را پذیرفته؛ از منظر بلوخ، امیدش بلعیده شده؛ و با این حال در ژرفای ناخودآگاه هنوز جرقه‌ای از امید بی‌رمق را حفظ کرده است. این همان خستگی روانی عمیقی است که در زبان مردم آشکار می‌شود: «کاری از دست ما بر نمی‌آید»، «همیشه همین بوده»، «دیگر فایده‌ای ندارد». این جملات نه صرفاً کلمات بلکه نشانه‌های آشکار فرسودگی جمعی‌اند. واقعیت این است که جامعه در سال‌های اخیر آن‌قدر با بحران‌های بی‌دری مواجه بوده که آستانه واکنش هیجانی‌اش بالا رفته است. اگر قرار بود با هر بحران به شدت بلرزیم، تاب نمی‌آوردیم؛ پس به اجبار به عادت کردن روی آورده‌ایم. اما این عادت، که در زبان روزمره با عباراتی چون «همین است که هست» خود را نشان می‌دهد، در حقیقت مکانیسمی دفاعی است که به بی‌حسی اجتماعی منجر شده است. نتیجه آن است که گرچه شهر پر از تردد و خرید و معاشرت ظاهری است اما در لایه‌های درونی، نوعی سکوت و بی‌تفاوتی حاکم شده است. راه برون‌رفت از این وضعیت نه در انکار بحران و نه در توهم نشاط عمومی بلکه در بازسازی فضاهاى امن گفت‌وگوست. تجربه روان‌شناختی به ما می‌آموزد که انسان زمانی از فرسودگی رها می‌شود که بتواند رنج خود را در جمع بازگو کند. گفتن، شنیده شدن و همدلی جمعی همان دارویی است که زخم‌های روانی را التیام می‌دهد. اگر این امکان در اختیار مردم قرار گیرد، جامعه از زیر بار فرسودگی برمی‌خیزد. اینجاست که نقش رسانه‌ها، نهادهای مدنی و روشنفکران برجسته می‌شود. باید اجازه دهیم بحران‌ها روایت شوند، بی‌برده و بی‌سانسور، تا مردم احساس کنند صدایشان ارزش شنیدن دارد. نباید بحران را عادی جلوه داد؛ باید یادآور شد که جنگ، مرگ، خشونت و سانسور استتار هستند، نه قاعده زندگی. در کنار این، ادبیات و هنر می‌توانند بار دیگر پنجره‌های امید را بگشایند. خلق رؤیاهای ممکن در شعر، رمان یا نمایش و تجربه‌های جمعی در تئاتر خیابانی، موسیقی یا مراسم آیینی، نه سرگرمی‌های لوکس بلکه ضرورت‌های روانی‌اند. ما باید به یاد بیاوریم که بی‌تفاوتی امروز مردم نشانه رضایت نیست؛ بلکه حاصل فشار مداوم و کاهش امید است. اگر بار دیگر فرصت گفت‌وگوی همدلانه فراهم نشود، اگر هر کس بتواند بخشی از درد خود را روایت کند، جامعه دوباره جان خواهد گرفت. تاریخ بارها نشان داده است که ملت‌ها در دل تیره‌ترین روزها نیز توانسته‌اند از طریق همبستگی، امید و گفت‌وگو، تاب‌آوری جمعی خویش را بازیابند. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند چنین بازسازی‌ای هستیم. در غیر این صورت، خطر آن است که فرسودگی جمعی به بی‌تفاوتی مزمین بدل شود و جامعه در همان تعلیق خسته‌کننده باقی بماند. اما اگر بتوانیم فضاهاى امن برای شنیدن و گفتن بیافرینیم، هنوز می‌توانیم بر خستگی چیره شویم و امید را، هرچند کم‌رمق، به چراغی روشن بدل کنیم.

نظارت در سایه تردید

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که بازرسان آژانس وارد ایران شدند سازندگی بررسی می‌کند: آیا ایران می‌تواند همزمان با حضور بازرسان گفت‌وگو با آمریکا را آغاز کرده و سایه جنگ را دور کند؟

۲
پارلمانپزشکیان تهدید
به شکایت شد

به‌رغم توضیح رئیس مجلس
نمایندگان تندرو مجلس نسبت به
حضور بازرسان آژانس در ایران
اعتراض و رئیس‌جمهور را
تهدید به شکایت کردند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران پس از چند ماه تنش و توقف همکاری‌ها، بار دیگر پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی را در کانون توجه قرار داده است. رافائل گروسی، مدیرکل آژانس در گفت‌وگویی با شبکه «فاکس‌نیوز» تأیید کرد که نخستین گروه از بازرسان این نهاد وارد ایران شده و در حال آماده‌سازی برای انجام مأموریت‌های خود هستند. او گفت: «ما در حال مذاکره با مقامات ایرانی هستیم. اکنون اولین گروه بازرسان به ایران بازگشته‌اند و ما در آستانه آغاز دوباره کارمان قرار داریم». به گفته گروسی، رایزنی‌های فشرده‌ای میان دو طرف جریان دارد تا مشخص شود چه سازوکارهایی باید طراحی و اجرا شود تا فعالیت‌های آژانس در ایران از سر گرفته شود.

ادامه در صفحه ۳

گزارش

آخرین وضعیت لایحه عدم خشونت علیه زنان
از زبان بهروزآذر:

امیدواریم به تفاهم برسیم



معاون زنان و خانواده دولت درباره آخرین وضعیت لایحه عدم خشونت علیه زنان توضیحاتی ارائه کرد.

زهرا بهروزآذر، معاون زنان و خانواده دولت در حاشیه جلسه روز گذشته هیات دولت در جمع خبرنگاران درباره آخرین وضعیت لایحه منع خشونت علیه زنان بیان کرد: «ابتدا و با توجه به تغییراتی که در مجلس شورای اسلامی نسبت به این لایحه رخ داد، دولت پیگیر مسترد کردن آن شد اما بعد از قتل الهه حسین‌نژاد تصمیم گرفتیم، تعیین تکلیف این لایحه بیش از این به تعویق نیفتد و در این زمینه جلساتی را برای رسیدن به یک تفاهم مشترک با مجلس شورای اسلامی برگزار کردیم.» وی افزود: «این جلسات باید با یک تفاهم مشترک میان دو قوه به نتیجه برسد و لایحه منع خشونت علیه زنان جنبه اجرایی پیدا کند».

معاون زنان و خانواده دولت در ادامه گفت:

«هیچ‌کس با کلیات لایحه مخالفت نکرده؛ اختلافات روی جزئیات است. برخی می‌گویند عنوان لایحه تغییر کند یا کلان‌تر شود و به جای خشونت، حمایت از خانواده بیاید؛ اما این یعنی لایحه جدید و زمانبر.

برخی معتقدند حتی واژه خشونت‌بار منفی دارد و باید جایگزین شود. امیدواریم که به تفاهم برسیم و بتوانیم لایحه را در حدی اصلاح کنیم که در برابر مردم خجالت‌زده نشویم. بخش عمده‌ای از موضوع خشونت و پیشگیری از خشونت بحث فرهنگی است ما باید مهارت‌های کنترل خشم را در همه افراد بالا ببریم».

لایحه مهم و کلیدی «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» سال ۱۳۹۹ بعد از ۱۰ سال بالاخره با امضای دو رئیس قوه توسط رئیس‌جمهور وقت به مجلس ارسال شد اما پس از معطلی‌های زیاد از جمله ماه‌ها عدم اعلام وصول دچار اعمال تغییرات گسترده‌ای در کمیسیون اجتماعی مجلس و از دست دادن روح ماهوی خود شد به شکلی که با تقاضای استرداد لایحه از سوی دولت چهاردهم مواجه شد.

اما به نظر می‌رسد با توجه به حوادث اخیر و افزایش حساسیت افکار عمومی، دولت و مجلس ناگزیر به تسریع روند رسیدگی به لایحه شده‌اند. براساس اظهارات معاونت زنان، جلسات مشترک میان دو قوه در حال برگزاری است و پیش‌بینی می‌شود در صورت دستیابی به توافق بر سر عنوان و محتوای لایحه، نسخه نهایی آن به زودی برای بررسی در صحن علنی مجلس آماده شود. کارشناسان معتقدند در صورتی که اختلافات بر سر واژگان و چارچوب کلی لایحه برطرف نشود، این طرح می‌تواند به یکی از مهم‌ترین اسناد حقوقی در حوزه حمایت از زنان و پیشگیری از خشونت در کشور تبدیل شود.

قضای

اعلام جرم دادستانی
علیه محمد صدر

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد: پس از حضور یک شخصیت سیاسی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در برنامه‌ای اینترنتی که با اظهار ادعاهایی خلاف همراه بود، دادستانی تهران علیه وی اعلام جرم کرده و پرونده قضایی برای او تشکیل شد. مرکز رسانه قوه قضاییه افزود: در پی اظهار برخی ادعاهای خلاف و بدون استناد از سوی یک شخصیت سیاسی در یک برنامه اینترنتی، دادستانی تهران علیه فرد یاد شده، اعلام جرم کرد. سیدمحمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام چندی پیش در مصاحبه‌ای با یک برنامه اینترنتی با تأکید بر اینکه تحلیل‌هایش مبتنی بر دیدگاه شخصی است، مدعی شده بود که «روسیه اطلاعات پدافند هوایی ایران را در اختیار اسرائیل گذاشته» همچنین سقوط بالگرد حامل رئیس‌جمهور شهید ابراهیم رئیسی را «اقدام اسرائیل» دانسته بود.

تندروها علیه شعام و پزشکیان

نمایندگان پایداری چی مجلس نسبت به حضور بازرسان آژانس در ایران اعتراض و رئیس‌جمهور را تهدید به شکایت کردند



عاطفه شمس

گروه سیاسی



اعتراض‌های تندروهای مجلس به حضور بازرسان آژانس در کشور وارد مرحله تازه‌ای شده و این بار، صحن علنی مجلس روز گذشته شاهد هشدارهای بی‌سابقه علیه دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. هشدارهایی که حتی به تهدید اعلام جرم قضایی ختم شد. در حالی که دولت و وزارت خارجه حضور بازرسان را در چارچوب تصمیمات شعام و صرفاً برای تعویض سوخت نیروگاه بوشهر توجیه می‌کنند و به گفته عباس عراقچی، وزیر امور خارجه «هیچ متن توافقی درباره چارچوب همکاری جدید ایران و آژانس مورد تأیید نهایی قرار نگرفته است» منتقدان این اقدام را «نقض آشکار قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، «تهدید مستقیم امنیت ملی» و حتی «زمین‌ساز جنگ» می‌دانند. با وجود تأکید محمدباقر قالیباف بر رعایت کامل قانون، نمایندگان تندرو باور دارند که پذیرش هرگونه شرطی از سوی آژانس بدون اطلاع مجلس، نه‌تنها بی‌اعتنایی به قانون است بلکه با دست خود، نقاط حساس هسته‌ای را در اختیار دشمن قرار می‌دهد. آنها می‌گویند اگر این روند ادامه یابد، پرونده همکاری‌های هسته‌ای به صحنه درگیری سیاسی بزرگ‌تری میان مجلس، دولت و شورای عالی امنیت ملی تبدیل خواهد شد.

واکنش امیرحسین ثابتی به متن توافق

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس، با اشاره به متن توافق اخیر با آژانس گفت: «متن توافق به دست ما رسید و کلمه به کلمه آن را مطالعه کردم که جاعه است؛ اگر دروغ است، تکزبب کنید که خوشحال می‌شویم اما اگر راست است وایلا...» او افزود: «هنوز دو ماه از تصویب قانون مجلس برای تعلیق همکاری با آژانس نگذشته که جمعی از جاسوسان آژانس تحت عنوان بازرس به ایران آمده‌اند». ثابتی در تذکر شفاهی خود خطاب به علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: لطفاً اشتباه قبل را تکرار نکنید و از همان ابتدا با افکار عمومی صحبت کنید تا ابهام پیش نیاید. او همچنین خطاب به لاریجانی تأکید کرد که قانون مجلس به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده اما ظاهراً شروط آن رعایت نشده است و نمایندگان از این وضعیت معترض هستند. وی هشدار داد که در صورت اجرای این توافق، «جنگ بعدی قطعی است» چراکه ایران مجبور به ارائه اطلاعات قبل و بعد از حمله اسرائیل خواهد شد که باعث نقطه‌زنی بهتر آنها در آینده می‌شود. وی در نهایت تأکید کرد: «امنیت ملی ما شوخی نیست که چنین مسائلی طی یک مذاکره پذیرفته می‌شود».

اعتراض کامران غضنفری به ورود بازرسان

کامران غضنفری، دیگر نماینده تهران نیز با تأکید بر رعایت حاکمیت ملی و امنیت مراکز هسته‌ای، گفت: «ورود مأموران آژانس به سایت‌های بوشهر و تهران، نقض صریح قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است». وی ادامه داد: «طبق این قانون، دولت موظف است

ایران

خطای محاسباتی

دبیر شورای عالی امنیت ملی: برخی می‌خواهند جامعه را از یک‌دستگی دریاورند

گروه سیاسی: علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی روز گذشته در دیدار جمعی از وعاظ کشور با بیان این مساله که حفظ هم‌پستگی ملی، امروز نیازمند مجاهدت و فتانیت است، علت اقداماتی که برخی برای برهم زدن یک‌دستگی میان مردم انجام می‌دهند را خطای محاسباتی دانست و افزود: برخی امروز فکر می‌کنند، جنگ خاتمه یافته و می‌خواهند جامعه را از یک‌دستگی دریاورند. اختلاف نظر در روش‌ها و راه‌حل‌ها، امری طبیعی است اما برجسته‌سازی اختلاف‌ها در مقطع قطع آتش با دشمن یک خطای راهبردی است.

در این جلسه، لاریجانی به بیان شرایط کشور در مرحله قطع آتش با دشمن پرداخت و مساله هم‌پستگی ملی را یک مساله بسیار مهم برای بازدارندگی کشور برشمرد و بیان کرد:



موضوع هم‌پستگی ملی به هیچ عنوان یک موضوع حاشیه‌ای نیست و رکن مهم و اساسی کشور است، به شکلی که یکی از شخصیت‌های برجسته دنیا به من در جلسه‌ای گفت که «در

شد که در آن، حضور بازرسان آژانس در ایران را تحت تصمیم شورای عالی امنیت ملی و برای نظارت بر تعویض سوخت نیروگاه بوشهر اعلام کرد. او تصریح کرد: «هیچ متن توافقی درباره چارچوب همکاری جدید ایران و آژانس مورد تأیید نهایی قرار نگرفته است و آنچه بین طرفین رد و بدل شده، هنوز توافق رسمی نیست». عراقچی همچنین تأکید کرد که هرگونه همکاری با آژانس طبق قانون مجلس و تأمین‌کننده منافع ملت ایران انجام می‌شود. عراقچی، همچنین در نشست دیروز خود با کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به همکاری‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرد که همکاری با آژانس در چهارچوب قانون مجلس و با ترتیبات جدید خواهد بود و آژانس بر فرایند تعویض سوخت نیروگاه اتمی بوشهر نظارت خواهد کرد. وزیر امور خارجه همچنین از تدوین یک مدالیته جدید با آژانس خبر داد و گفت: «باید امنیت و ایمنی مراکز و تأسیسات هسته‌ای تضمین شود تا با آژانس همکاری کنیم». وی افزود: «همکاری ما با آژانس بنا به تصمیم خودمان است و تحت تأثیر دیگران نیست». عراقچی تأکید کرد: «ما به‌روی مواضع خود در موضوع هسته‌ای محکم ایستاده‌ایم، موضع ما موضع نظام است و پای آن خواهیم ایستاد.» او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره برخی از متونی که پیرامون همکاری ایران با آژانس نشر پیدا کرده است، تصریح کرد که با آژانس توافقی نشده است و مذاکره با آژانس ادامه دارد. وزیر امور خارجه همچنین اعلام کرد که «ما برای هر سناریویی آمادگی داریم».

اکنون باید منتظر ماند و دید با وجود اختلاف نظرهای موجود، آیا تصمیمات هسته‌ای کشور به سمت مدیریت متمرکز و امنیتی در شورای عالی امنیت ملی خواهد رفت یا تقابل صحن علنی و نهادهای تصمیم‌ساز به مرحله تازه‌ای از بحران سیاسی و حقوقی میان مجلس و دولت منجر می‌شود؟ پرونده‌ای که با حساسیت‌های داخلی و فشارهای خارجی گره خورده، این بار می‌تواند به یکی از چالش‌های جدی ماه‌های پیش رو تبدیل شود، چالشی که در مرکز آن بیش از هر چیز اعتماد عمومی به شفافیت تصمیمات هسته‌ای قرار دارد.

ماجرای جنگ ۱۲ روزه، دنیا هم‌پستگی ملی ایرانیان را دید». علی لاریجانی با بیان این مساله که حفظ هم‌پستگی ملی، امروز نیازمند مجاهدت و فتانیت است، علت اقداماتی که برخی برای برهم زدن یک‌دستگی میان مردم انجام می‌دهند را خطای محاسباتی دانست و افزود: برخی امروز فکر می‌کنند، جنگ خاتمه یافته و می‌خواهند جامعه را از یک‌دستگی دریاورند. اختلاف نظر در روش‌ها و راه‌حل‌ها امری طبیعی است اما برجسته‌سازی اختلاف‌ها در مقطع قطع آتش با دشمن یک خطای راهبردی است.

علی لاریجانی حفظ تمکن اقتصادی مردم را از ابزارهای اصلی حفظ انسجام ملی دانست و بیان کرد: دولت محترم در جهت تأمین امنیت اقتصادی مردم، تلاش‌های جدی را سامان دادند.

ادامه تیتربک

نظارت در سایه تردید

مدیرکل آژانس در همان مصاحبه یادآور شد که ایران به عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ان‌بی‌تی ملزم به پذیرش بازرسی‌هاست. او هشدار داد اگر این فعالیت‌ها از سر گرفته نشود احتمال تکرار بحران‌هایی مشابه آنچه در ماه ژوئن رخ داد، وجود خواهد داشت. گروسی همچنین تأکید کرد که ایران تأسیسات متعددی دارد؛ برخی از آنها هدف حمله قرار گرفته‌اند و برخی دیگر خیر. از همین رو در حال گفت‌وگو با تهران است تا چارچوب نظارتی جدیدی طراحی شود. گروسی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به سفر خود به واشنگتن اشاره کرد و گفت در این سفر با مجموعه‌ای از مقامات دولت آمریکا از جمله استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور دیدار داشته است. او گفت: «از ابتدای دولت جدید با او در تماس بوده‌ام و درباره مسائل مختلف گفت‌وگو کرده‌ایم. طبیعی است که برای ایالات متحده بسیار مهم است که این پرونده را از نزدیک دنبال کند و بسنجد آیا امکان مذاکرات دوجانبه وجود دارد یا نه.» به‌گفته مدیرکل آژانس، مقامات آمریکایی در تلاش‌اند مسیر صلح را حفظ کنند، هرچند پرونده ایران به دلیل نقش‌آفرینی اسرائیل و اقدام نظامی آمریکا پیچیده‌تر از سایر پرونده‌هاست.

او همچنین به موضوع اروپا اشاره کرد و گفت: «اروپایی‌ها اکنون به صورت جدی در حال بررسی گزینه فعال‌سازی دوباره تحریم‌ها هستند. البته تصمیم نهایی در گرو آن است که ببینند آیا ایران با آژانس همکاری می‌کند یا خیر.» به این ترتیب، بازگشت بازرسان نه‌تنها برای آینده همکاری تهران و

آمریکا

مذاکرات بی‌ادبانه!

معمای حمایت ترامپ از اوکراین چیست؟

گروه بین‌الملل: در بحبوحه جنگی فرسایشی با روسیه، اوکراین خود را درگیر مذاکراتی سخت و پرخطر با تیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا می‌بیند. این گفت‌وگوها که حتی با استنادرهای ترامپ نیز غیرمتعارف و مبهم به نظر می‌رسند، اوکراین را در موقعیت دشواری قرار داده است؛ واگذاری سود حاصل از منابع طبیعی و زیرساخت‌های کلیدی در ازای تضمین حمایت‌های آینده. این شرایط که برخی مقامات اوکراینی آن را به «اخاذی» تشبیه کرده‌اند، ابعاد تازه‌ای از فشار و عدم قطعیت را به جنگی که از قبل پیچیده بود، افزودند. این مذاکرات به جای اینکه بر محور کمک‌های نظامی و استراتژی‌های دفاعی بچرخند به سمت نوعی معامله تجاری متمایل شده‌اند که در آن، دارایی‌های ملی اوکراین به عنوان وثیقه برای کمک‌های قبلی آمریکا مطالبه می‌شوند. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در یکی از سخت‌ترین روزهای جنگ پس از ششی از حملات بی‌وقفه پهبادی روسیه به کیف، این پیشنهاد را «ناعادلانه» خواند و رد کرد. او به صراحت اعلام کرد که هرگونه توافقی باید در درجه اول شامل حمایت نظامی باشد نه واگذاری ثروت ملی.

معامله‌ای که شکل عوض می‌کند

نکته گیج‌کننده در این مذاکرات، تغییر مداوم شرایط است. از ۱۲ فوریه تاکنون، سه نسخه متفاوت از این توافق به اوکراین ارائه شده است: یکی «بد»، دیگری «بهتر» و سومی «فاجعه‌بار». این پیشنهادها نه توسط یک تیم واحد بلکه توسط افراد مختلفی از نزدیکان ترامپ از جمله برخی از چهره‌های وال‌استریت مطرح شده است. این هرچ‌ومرچ، اوکراینی‌ها را چنان سردرگم کرده است که برای فهمیدن سبک مذاکره ترامپ به تماشای مستندهای او روی آورده‌اند. تنها چیزی که در این آشفتگی روشن است، رویکرد بی‌رحمانه و تهاجمی جناح «ماگا» است. ایده اولیه این طرح در واقع از سوی اوکراین مطرح شد. در سپتامبر گذشته، زلنسکی پیشنهاد داد در ازای کمک‌های امنیتی و دعوت به ناتو، امتیاز استخراج معادن را واگذار کند. اما ترامپ این طرح را به طور کامل وارونه کرد. اکنون، تیم او نه تنها به دنبال منابع و زیرساخت‌های اوکراین است بلکه آن را به عنوان

بهای کمک‌هایی مطالبه می‌کند که پیش از این اهدا شده است. طبق آخرین و «فاجعه‌بار» ترین نسخه از این توافق، اوکراین باید ۵۰ درصد از درآمد‌های آینده دولت خود از منابع طبیعی و زیرساخت‌هایی مانند بنادر را به یک صندوق سرمایه‌گذاری جدید تحت مالکیت دولت آمریکا منتقل کند. این پرداخت‌ها باید تا زمانی ادامه یابند که مجموع آنها به رقم ۵۰۰ میلیارد دلار برسد. این عدد که هیچ‌گونه پایه منطقی ندارد و بیش از دو برابر کل تولید ناخالص داخلی اوکراین است، منطبق با ادعاهای اغراق‌آمیز ترامپ درباره هزینه‌های آمریکا برای کمک به کیف است. با نرخ فعلی درآمد‌های دولتی اوکراین، رسیدن به این رقم صدها سال طول خواهد کشید. زلنسکی به درستی به این رقم نجومی و شرایط غیرمنطقی اعتراض کرده است. او تأکید دارد که کمک‌های آمریکا توسط دولت بایدن به صورت «بخشیده شده» ارائه شده و اینکه پذیرش آن به عنوان بدهی، نوعی خیانت به مردم اوکراین محسوب می‌شود. یکی از مقامات اوکراینی در واکنش به این فشار می‌گوید: «اگر این توافق را امضا کنیم، فردا از سمت‌مان برکنار می‌شویم و توسط مردم خشمگین به دار آویخته خواهیم شد». این جمله عمق نگرانی و خطرپذیری مقامات اوکراینی را نشان می‌دهد. در همین حال تیم ترامپ نیز به طور مداوم فشارها را افزایش داده است. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری در ۱۲ فوریه نخستین پیشنهاد را در کیف به زلنسکی ارائه کرد و تنها یک ساعت به او فرصت داد تا آن را امضا کند. وقتی زلنسکی وقت بیشتری خواست در نشست امنیتی مونخ، کیت کلگ نماینده ترامپ در امور اوکراین و جی.دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نسخه‌ای «بهتر» را مطرح کردند. اما این روند به همین سادگی پیش نرفت. در ۲۰ فوریه، هاوارد لوتیتیک، وزیر تازه منصوب بازرگانی آمریکا با یک پیش‌نویس دیگر وارد عمل شد و به اوکراین اخطار داد که یا این شرایط را بپذیرند یا «جنگ را بیازند». این آشفتگی در مذاکرات، مقامات اوکراینی را در وضعیت بغرنجی قرار داده است. آنها نمی‌دانند باید با کدام تیم

مذاکره‌کننده صحبت کنند و از اینکه پذیرش شرایط یک گروه، باعث رنجش گروه دیگر شود، نگرانند. آنها به طور خاص به پیش‌نویس کلگ و ونس امیدوار بودند که «گفت‌وگوهای واقعی و مشرثر» را نوید می‌داد. با این حال با ورود لوتیتیک، لحن مذاکرات به کلی تغییر کرد و به گفته یک مقام اوکراینی، «فردی بسیار ارشد که فقط با اعداد صحبت می‌کند» وارد میدان شد. این لحن تحقیرآمیز و تهدیدآمیز بود و به اوکراین گفته شد: «این یک معامله عاشقانه است. ما مراقب شما هستیم اما شما نمی‌خواهید، گرفتار مشکل شوید». علاوه بر ارقام غیرمنطقی، ابهام درباره هدف اصلی این صندوق نیز وجود دارد. در حالی که بسنت در نشریه‌ای مانند فایننشال تایمز، این صندوق را یک «شرکت اقتصادی» برای تأمین مالی بازسازی بلندمدت می‌خواند، در عمل، اوکراینی‌ها معتقدند که این توافق بیشتر شبیه یک «تصاحب» است. در نسخه جدید، آمریکا مالکیت دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را مطالبه می‌کند که این امر به جای یک شراکت شبیه نوعی استعمار اقتصادی به نظر می‌رسد. زلنسکی به صراحت اعلام کرده که نمی‌تواند ثروت کشورش را بفروشد و این موضع خشم ترامپ را برانگیخته است. نگرانی این است که در صورت عدم پذیرش این شرایط، ترامپ به ابزارهای فشار دیگری متوسل شود. یکی از این ابزارها، قطع دسترسی اوکراین به ماهواره‌های استارلینک است که شریان حیاتی ارتباطات در خط مقدم جنگ هستند. چنین اقدامی می‌تواند، اوکراین را به زانو درآورد و مجبور به امضای یک توافق ناخوشایند کند. در نهایت، این مذاکرات، ورای اختلافات مالی، آزمونی برای حاکمیت ملی اوکراین در مقابل فشارهای خارجی است. همان‌طور که یک مقام ارشد اوکراینی می‌گوید، این مذاکرات «بی‌ادبانه» است اما «بدترین چیزی نیست که می‌تواند رخ دهد.» او با نگرانی اضافه می‌کند که «هر اتفاق دیگری که بعداً رخ دهد، بدتر خواهد بود». این جمله خلاصه‌ای از آینده نامعلوم اوکراین در مواجهه با سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی آمریکاست.



ارشد ایران بود و در گفت‌وگو با خاویر سولانا طرحی موسوم به «مدالیته» را پیشنهاد داد؛ طرحی که هدف آن کاهش تنش از طریق چارچوبی برای راستی‌آزمایی صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بود. اندیشکده‌های غربی در آن سال‌ها از جمله شورای روابط خارجی و شورای آتلانتیک، او را سیاستمداری عمل‌گرا توصیف کردند که تلاش داشت میان اصولگرایان تندرو و میانه‌روها تعادل برقرار کند.

اکنون بازگشت او به رأس شورای عالی امنیت ملی از نگاه ناظران می‌تواند، مسیر تازه‌ای در تعامل با آژانس ایجاد کند. تحولات اخیر در حالی صورت می‌گیرد که هنوز همه مسائل حل نشده است. مقامات ایرانی بر چارچوب قانونی داخلی تأکید دارند، اروپایی‌ها سازوکار ماشه را در دست بررسی دارند، واشنگتن به دنبال ارزیابی امکان مذاکرات است و آژانس در تلاش است، نظارت‌های خود را از سر گیرد. به نظر می‌رسد آنچه رخ داده بیش از آنکه نشانه یک توافق پایدار باشد، گامی موقت برای مدیریت بحران و جلوگیری از تشدید تنش است. آینده این روند به چگونگی ادامه گفت‌وگوها و توانایی طرفین در کاستن از بی‌اعتمادی‌ها بستگی دارد.

دیپلماسی

آب باشد ایران سهم می‌گیرد

وعده تکراری طالبان درباره حقایق

در آستانه چهارمین سالگرد حاکمیت طالبان، «ملا عبداللطیف منصور» وزیر انرژئ و آب افغانستان در گفت‌وگویی با الجزیره به تشریح سیاست‌های آبی دولت سرپرست پرداخت و تأکید کرد که افغانستان در شرایط خشکسالی، اولویت را به مردم خود می‌دهد. منصور با اشاره به توافق‌نامه رودخانه هلمند میان ایران و افغانستان گفت: «در سال‌هایی که آب کافی در دسترس باشد، ایران سهم خود را دریافت می‌کند؛ امسال نیز چنین شد. اما نمی‌توان از کشوری که خود با خشکسالی مواجه است، انتظار داشت فراتر از توانش آب برساند». وی با یادآوری سابقه همکاری‌های آبی میان دو کشور در دوران ظاهرشاه، افزود که ایران در گذشته پیشنهاد ساخت سد با هزینه ۲ میلیارد دلاری را مطرح کرده بود. اما امروز شرایط تغییر کرده و کم‌آبی، مردم نيمروز را نیز درگیر کرده است. منصور تأکید کرد که کابل به دنبال تنش با تهران نیست و تلاش دارد با توضیح شرایط، سوء تفاهم‌ها را رفع کند. او گفت: «حیأت ایرانی که به منطقه آمد با چشم خود دید زمین‌ها خشک و مردم ناچار به کوچ شده‌اند». امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان نیز اخیراً در اظهاراتی بر پابندی این گروه به توافق‌نامه ۱۳۵۱ هیرمند تأکید کرده است. وی خشکسالی شدید در افغانستان را عامل اصلی کاهش آب موجود عنوان کرده و گفته است: «افغانستان به حقایق ایران بر اساس معاهده ۱۳۵۱ متعهد است». متقی در ادامه با اشاره به چالش‌های فنی موجود گفت: «در سد کمال‌خان آبی وجود ندارد و آب در مسیر ۶۰۰ کیلومتری تا سیستان و بلوچستان به دلیل زمین‌های تشنه و تبخیر از بین می‌رود». وی همچنین از کاهش ظرفیت ذخیره سد کجکی به دلیل رسوبات خبر داد. سرپرست وزارت خارجه طالبان خواستار حل مساله از طریق گفت‌وگو شد و تأکید کرد: «موضوع آب نباید سیاسی شود». وی افزود: «دل ما به همان اندازه که برای مردم نيمروز، فراه و هلمند می‌سوزد برای مردم سیستان و بلوچستان هم می‌سوزد».



شاهدان تاریخ

روایت **لیلا ابوالعلاء** برنده جایزهٔ پن پینتر ۲۰۲۵

از شجاعت خبرنگاران فلسطینی



لیلا ابوالعلاء، نویسندهٔ سودانی – بریتانیایی و نخستین برندهٔ جایزهٔ کین برای نویسندگان آفریقایی در سال ۲۰۲۵ موفق به دریافت جایزه PEN Pinter شد. این جایزه به نویسندگانی اهدا می‌شود که با «پایداری فکری در بازنمایی حقیقت زندگی و جوامع خود» شناخته می‌شوند. آثار او با نگاهی به تجارب مهاجران سودانی در بریتانیا و زندگی زنان مسلمان، در حوزه رمان و داستان کوتاه شناخته می‌شوند.

لیلا ابوالعلاء متولد قاهره و بزرگ شده در خارطوم است. او سال ۱۹۹۰ سودان را ترک و به اسکاتلند مهاجرت کرد و نوشتن را آغاز کرد. داستان کوتاه او با عنوان «موزه» نخستین جایزهٔ کین را برای او به ارمغان آورد. از جمله رمان‌های او می‌توان به «مترجم» (۱۹۹۹)، «مناره» (۲۰۰۵) و «فرمان پرندگان» (۲۰۱۹) اشاره کرد که زندگی مهاجران سودانی در بریتانیا را از نگاه زنان مسلمان روایت می‌کنند. آخرین رمان تاریخی او، «روح رودخانه» (۲۰۲۳) در سودان و در دوران جنگ داخلی سودان روایت می‌شود و نسخهٔ عربی آن در سال ۲۰۲۴ توسط نشر دارالمصورات در خارطوم، به ترجمهٔ بدرالدین هاشمی منتشر شد. ابوالعلاء از سال ۲۰۲۳ عضو انجمن سلطنتی ادبیات است و آثار او جوایز متعددی از جمله جایزهٔ کتاب اسکاتلند و جایزهٔ سال رمان ساتیر را دریافت کرده‌اند. لیلا ابوالعلاء در گفت‌وگو با عرب‌نوز به پرسش‌هایی پیرامون دریافت جایزهٔ «پن پینتر ۲۰۲۵» و نقش حقیقت در ادبیات پاسخ داده است:

نخست، تریک می‌گویم برای دریافت جایزهٔ پن پینتر ۲۰۲۵. این جایزه به نویسندگانی اهدا می‌شود که با «پایداری فکری شدید برای بازنمایی حقیقت زندگی و جوامع خود» شناخته می‌شوند. حقیقت چه نقشی در آثار شما و رمان‌های‌تان دارد؟ انسان‌ها در فریب خود و انکار حقایق و نادیده گرفتن آنچه ناخوشایند است، شگفت‌انگیزند. من همیشه به رمان به‌عنوان فضایی علاقه‌مند بوده‌ام که بتوان در آن دربارهٔ مسائلی نوشت که معمولاً در جامعه مورد بحث قرار نمی‌گیرند. به عنوان یک مهاجر در بریتانیا، احساسات متناقضی داشتم؛ تحقیر، فرصت، شکرگزاری، ترس از فرصت‌های از دست رفته و نگرانی برای آیندهٔ فرزندان. اگرچه دیگر مهاجران نیز این پیچیدگی‌ها را تجربه کردند اما تمایلی به بحث دربارهٔ آن نداشتمند. بحث دربارهٔ دل‌تنگی برای وطن نیز اغلب خودخواهانه تلقی می‌شد. رمان می‌تواند فضایی برای بیان چنین حقایقی باشد و آن‌ها را آشکار کند. رمان فراتر از خطوط رسمی، کلیشه‌های رسانه‌ای و پاسخ درست به یک سؤال حرکت می‌کند. حقیقت معمولاً ناراحت‌کننده است؛ حقیقت واضح است اما در جریانی پنهان حرکت می‌کند.

شما امسال همچنین نویسندهٔ شجاع «پن پینتر» را انتخاب خواهید کرد. «نویسندهٔ شجاع» امروز چه ویژگی‌هایی دارد؟ نویسندگان شجاع امروز، خبرنگاران فلسطینی هستند که جان خود را به خطر می‌اندازند و حتی جان خود را از دست می‌دهند تا نسل کشی در غزه را گزارش کنند. آن‌ها در دشوارترین شرایط گزارش می‌دهند و استانداردهای حرفه‌ای را حفظ می‌کنند.

کار آن‌ها ارزشمند است، نه تنها به دلیل افشای فوری آن‌چه اکنون رخ می‌دهد بلکه به دلیل این که شاهدان مستقیم تاریخ هستند و منابع اصلی تاریخی را فراهم می‌کنند. برخی

نویسندگان سودانی در طول جنگ در کشور ماندند و ترجیح دادند، فرار نکنند تا کتاب‌خانه‌های شخصی خود را حفظ کنند. این شجاعت قابل تحسین است و خاطرات آن‌ها گواهی ارزشمندی از زندگی در سودان خواهد بود.

شما گفته‌اید دل‌تنگی و مهاجرت باعث شد پس از ترک سودان در دههٔ ۱۹۹۰ نوشتن را آغاز کنید. آیا هنوز همان انگیزه در آثار شما وجود دارد یا تغییر کرده است؟

الهام من مانند یک حوض مثالی است؛ یک ضلع اسلام و دو ضلع دیگر اسکاتلند و سودان. همیشه در این حوض حرکت می‌کنم و اگرچه مرزهای آن مشخص است، عمق آن بی‌پایان است. موضوعات زیادی مرا مجذوب می‌کنند و راه‌های نامحدودی برای نوشتن دربارهٔ اسلام، سودان و اسکاتلند وجود دارد. دل‌تنگی و مهاجرت معانی متعددی دارند. اخیراً بیشتر درباره سالمندی فکر کرده‌ام و این که افراد مسن باید کمی عقب بایستند تا جوانان در مرکز قرار گیرند. این نیز نوعی جابه‌جایی است.

* شما پیش‌تر گفته‌اید اسلام اغلب بر ادبیات غربی نادرست یا به شکل اغراق‌آمیز نمایش داده می‌شود. چگونه شخصیت‌های مسلمان را به‌گونه‌ای واقعی روایت می‌کنید بدون این که به کلیشه‌ها دامن بزنید؟

تا حد امکان از وسوسهٔ «نوشتن در پاسخ» و توضیح دادن یا توجیه پرهیز می‌کنم. هدفم به چالش کشیدن کلیشه‌ها نیست، هرچند آثارم این کار را انجام می‌دهد. من به صورت ارگانیک شروع می‌کنم؛ پیش می‌روم نه این که پاسخ دهم. نمی‌خواهم همیشه نگران نگاه دیگران باشم؛ این باعث می‌شود، نوشتن خودآگاه و محدود شود. همیشه مهم بوده که اسلام را در مرکز آثارم قرار دهم و شخصیت‌های مسلمان عمل‌کننده را روایت کنم. می‌خواهم فراتر از ارائهٔ اسلام به‌عنوان یک فرهنگ، منطق و معنای عمیق آن در رمان دیده شود.

در رمان اخیرتان «روح رودخانه» (۲۰۲۳) به آرزوها و توهم‌های جنبش‌های مردمی پرداخته‌اید. خاطرات شما از اعتراضات سال‌های ۲۰۱۹/۲۰۱۸ چگونه است؟

من در سودان نبودم و از دور تماشاگر بودم. زمان الهام‌بخش و امیدوارکننده‌ای بود؛ گویی دیوارها فرو می‌ریخت و سودان دوباره به جهان بازمی‌گشت.

سودان دهه‌ها تحت تحریم بود و یکی از نتایج مثبت این اعتراضات، رفع تحریم‌ها بود که باعث امیدواری اقتصادی شد. از نظر تاریخی سودان با مسألهٔ هویت مواجه بوده است؛ نه به اندازهٔ کافی آفریقایی و نه به اندازهٔ کافی عربی. اغلب توسط فرهنگ‌های غالب مصر و اتیوپی تحت‌تأثیر قرار گرفته است. این اعتراضات این تصور را تغییر داد و نشان داد، سودانی‌ها فرهنگ و تاریخ متمایزی دارند. جوانان خلأقت و آرزوهای خود برای حکومت دموکراتیک و غیرنظامی را بیان کردند. اما همهٔ این آرزوها و زیبایی‌ها ناپود شد؛ جنگ، آوارگی و قحطی گسترده رخ داد. در خارطوم، بازسازی آغاز شده و نشر دارالمصورات کتاب‌فروشی خود را باز کرده است. در شبکه‌های اجتماعی، ویدئوهایی از دانش‌جویان داوطلب می‌بینم که آوارها را از بیمارستان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها پاک می‌کنند؛ روحیهٔ جمعی اعتراضات هنوز زنده است.

منبع: اینپنا

پلی استوار میان دو فرهنگ

تشییع پیکر **موسی اسوار** در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

روز تلخ و سخت فرهنگستان

غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی هم در سخنانی با تسلیت فقدان اسوار گفت: «امروز برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز تلخی است، روز سختی است از آن جهت که یکی از بهترین استادان، ادیبان، نویسندگان، مترجمان، همکاران و دوستان خود را از دست داده‌ایم. رابطهٔ ادبیات فارسی با ادبیات عرب، رابطه‌ای دست‌کم به اندازهٔ کل تاریخ اسلام در ایران است، اگرچه ارتباط زبانی و شاید ادبی قبل از اسلام هم وجود داشت اما بعد از دورهٔ تجدد، حدود ۲۰۰ سال پیش اذهان و افکار متوجه دنیای غرب شد و اندک‌اندک از تعداد کسانی که در ایران تسلط کامل به ادبیات عرب داشته باشند، کاسته شد، اگرچه کمابیش بودند. همیشه این خلأ احساس می‌شد که چرا ما بعد از آشنایی با ادبیات اروپایی، آشنایی و ارتباط‌مان با ادبیات کشورهای عربی و همسایه منطقه غرب آسیا کم شد. استاد اسوار کسی بود که به این نیاز پاسخ مثبت داد.» غلامعلی حدادعادل با بیان این که استاد اسوار واجد این خصوصیت بود که به عنوان مرجع مطمئن در ادبیات عرب برای اهل ادب شناخته شود، گفت: حدود ۵۰ سال پیش رژیم بعث عراق به دلیل خصومتش با ایران، ایرانی‌های مقیم عراق را از عراق اخراج کرد و عدهٔ زیادی به ایران آمدند. خاندان اسوار از آن جمله بودند.» او در ادامه با بیان این که اسوار به منزلهٔ پلی میان ایران و کشورهای عربی بود، خاطر‌نشان کرد: «هر کس سؤال و مسأله‌ای داشت و مقاله‌ای دربارهٔ ادبیات عرب می‌خواست، می‌دانست که باید به اسوار مراجعه کند. در کشورهای عربی زمانی که کسی دربارهٔ ادبیات فارسی سؤالی داشت، وقتی اسوار اظهارنظر می‌کرد، اطمینان پیدا می‌کردند. استاد اسوار نه فقط به ادبیات عرب تسلط داشت بلکه به ادبیات فارسی هم تسلط داشت؛ زمانی که از عربی به فارسی ترجمه می‌کرد، ترجمه فارسی او پخته و سخته و پرورده بود. خصوصیت دیگرش این بود که هم با ادبیات کهن عرب آشنا بود و هم ادبیات معاصر عرب و در هر دو حوزه ترجمه داشت، هم اشعار و چکامه‌های متنی را به فارسی ترجمه کرده و هم آخرین رمان‌ها و داستان نویسندگان معاصر آن‌ها را. فقط در حوزهٔ ادبیات نبود بلکه در زبان و بحث‌هایی که به زبان مربوط می‌شود، دستی داشت. اسوار صرفاً دغدغهٔ زبان و ادبیات عرب را نداشت بلکه به همان اندازه و شاید هم بیشتر دغدغهٔ

مراسم تشییع پیکر موسی اسوار، ادیب، مترجم و عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی که بامداد سه‌شنبه ۴ شهریور پس از چند ماه بیماری در ۷۲ سالگی از دنیا رفت، صبح چهارشنبه، ۵ شهریور در فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. در ابتدای مراسم، ویدئویی از سخنرانی موسی اسوار دربارهٔ ادبیات مقاومت و ادبیات فلسطین برای حاضران پخش شد و در ادامه غلامعلی حدادعادل (رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، علی‌اشرف صادقی، مریم حسینی و امید طیبی‌زاده سخنرانی کردند.

اشراف بر ادب کلاسیک و معاصر

امید طیبی‌زاده، زبان‌شناس و استاد دانشگاه در سخنانی گفت: «استاد اسوار شخصیت کم‌نظیری در فرهنگ ما نبود بلکه شخصیتی بی‌نظیر بود. شاید مشابه او را در تاریخ‌مان داشتیم اما در دورهٔ جدید شخصیتی با ویژگی‌های ایشان شکل نگرفت و فقدان او ضایعهٔ بزرگی برای زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است.» او با بیان این که اسوار نه تنها تسلط کامل بر زبان فصیح عربی داشت بلکه بر گونه‌های گفتاری آن هم تسلط داشت و تکلم می‌کرد، گفت: «اسوار بر ادبیات کلاسیک عرب تسلط داشت و در ادبیات معاصر عرب دانشی داشت که در هیچ‌کدام از گروه‌های ادبیات عرب دانشگاه‌ها چنین دانشی را نداشتیم و امیدوام جوانان بتوانند جای خالی او را پر کنند. یکی از ویژگی‌های اسوار این بود که بر اقلیم جغرافیایی و فرهنگی مملکت اشراف داشت و به خوبی می‌دانست آشنایی با ادبیات عرب، فقط آشنایی با زبان بیگانه نیست بلکه بسیار فراتر از آن است. چه بخواهیم و چه نخواهیم بخشی از فرهنگ‌مان را وام‌دار زبان و ادبیات عربی هستیم و آشنایی با زبان عربی، آشنایی با فرهنگ و هویت خودمان است و اسوار به درستی به آن پی برده بود.» او با اشاره به ترجمه‌های اسوار از چکامه‌های متنی و تفسیر اشعار او، افزود: «همهٔ این‌ها تلاش‌هایی بود که اسوار آگاهانه انجام می‌داد تا پیوند، عشق و دوستی جایگزین اختلاف‌هایی که بین جان‌ها و جهان‌های مرتبط وجود داشت، بشود.»

گزارش روز

وزیر تکلیف همه را روشن کرد

سیدعباس صالحی از اطلاع معاونانش از تغییرات **وزارتخانه** گفت

ارتقا، شاهد این تنزل باشیم.»

پیش از انتشار این بیانیه، رضا مردانی مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره تغییر جایگاه سازمانی هنرهای نمایشی از «اداره کل» به «دفتر» توضیح داده بود: «معاونت امور هنری و اداره کل هنرهای نمایشی در جریان تغییر جایگاه سازمانی اداره کل هنرهای نمایشی



گلاویز نادری

گروه سینما و تئاتر و تلویزیون

۲۵ مرداد ماه بود که خبرگزاری مهر با انتشار گزارشی خبر از تبدیل اداره کل هنرهای نمایشی به دفتر تئاتر در چارت سازمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داد. در این گزارش برای اولین بار افشا شد که «اداره‌کل هنرهای نمایشی» به «دفتر هنرهای نمایشی» تقلیل پیدا کرده است. انتشار این گزارش موجی از اعتراضات را به دنبال داشت و هنرمندان و هیات مدیره انجمن‌های مختلف خانه تئاتر هم طی بیانیه‌ای به این تغییرات اعتراض کردند.

انجمن نمایشنامه‌نویسان و مترجمان، انجمن بازیگران، انجمن مدرسان، انجمن کارگردانان، انجمن موسیقی، کانون کودک و نوجوان، انجمن نمایشگران عروسکی، کانون منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران، انجمن طراحان صحنه و لباس، انجمن طراحان گریم و ماسک، انجمن روابط عمومی و تبلیغات، انجمن عکاسان، انجمن طراحان پوستر، انجمن نمایشگران حرکت، انجمن نمایشگران خیابانی، کانون کارکنان فنی و هنری، کانون برنامه‌ریزان و دستیاران و جمعی از مدیران تماشاخانه‌ها، کارگردانان، بازیگران، مؤسسات فرهنگی و هنری و آموزشگاه‌های تئاتر، طی نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار رسیدگی به وضعیت ساختار سازمان تئاتر ایران شدند.

در این بیانیه آمده بود: «ناباورانه مطلع شدیم که به رغم رأی و نظر اهالی تئاتر کشور و بدون مشورت با خانه تئاتر، معاونت هنری و مدیرکل متبوع، «اداره کل هنرهای نمایشی» به «دفتر» تغییر وضعیت داده است. شگفت‌انگیز است که این تصمیم در حالی اتخاذ شده که از سال‌ها پیش، بحث تبدیل جایگاه اداری هنرهای نمایشی به «سازمان تئاتر» مطرح بود و حال در بازگشتی عجیب باید به جای



بروس ویلیس دیگر حرف نمی‌زند

مغز این بازیگر آمریکایی از کار افتاده و قدرت تکلمش از بین رفته است

کارگردانانی که با «ویلیس» همکاری کرده بودند، اعلام کردند که سال‌ها نگرانی‌های خود را در مورد وضعیت شناختی او بیان کرده‌اند زیرا او همواره تلاش می‌کرد تا دیالوگ‌ها را به خاطر بسپارد. یک سال پس از تشخیص بیماری، ویلیس به‌طور رسمی مبتلا به زوال عقل شناخته شد. خانواده ویلیس شامل دخترانش، همسرش و همسر سابقش دمی مور در بیانیه مشترکی اعلام کردند: «اگرچه این مساله دردناک است اما بالاخره رسیدن به یک تشخیص روشن، نوعی آرامش به همراه دارد».

بروس ویلیس در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۵۵ (۲۹ اسفند ۱۳۳۳) در ایدار- اوبراشتاین آلمان غربی سابق متولد شد. ریشه‌های خانوادگی او بسیار جالب هستند. پدر او یک سرریاز آمریکایی و مادر وی یک زن آلمانی بود. بروس خاوه‌ری جوان‌تر به نام فلورانس و برادری به نام دیوید دارد. ویلیس در دوران دبیرستان، لکنت زبان داشت. لقب او در این دوران «باک-باک» بود. دلیل آغاز علاقه بروس به بازیگری بسیار جالب است. وی در دوران دبیرستان خود فهمید که بازیگری به برطرف شدن مشکل لکنت زبان او کمک می‌کند. اولین شغل ویلیس پس از دبیرستان، فعالیت به عنوان یک نگهبان برای مرکز اتمی سیلم آمریکا بود. شاید برای طرفداران جان‌سخت جالب باشد که بداند، شغل دوم وی کارآگاه خصوصی بود.

ویلیس در اولین نقش بزرگ خود اثبات کرد که استعداد و جذبه مورد نیاز را دارد. ۳۰۰۰ بازیگر برای ایفای نقش دیوید ادیسون جونیور در سریال «مون‌لایتینگ» تلاش کردند و از میان این ۳۰۰۰ نفر بروس قبول شد. همین موضوع باعث شد که ویلیس به عنوان یک بازیگر کم‌دی شناخته شود. قالبی که در مدتی بسیار کوتاه شکسته شد. شروعی آتشین یعنی برنده شدن یک جایزه امی برای بهترین بازیگر نقش اول مرد در یک سریال درام و یک جایزه گلدن گلوب برای بهترین بازیگر در سریالی کم‌دی یا موزیکال؛ بروس ویلیس در اولین نقش خود هر دوی این جوایز را برد.

بروس ویلیس بیشتر برای بازی در نقش افسر پلیس نیویورک «جان مک‌کلین» در مجموعه فیلم‌های اکشن و موفق «جان‌سخت» شناخته شده است که بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۳ پنج قسمت از آن ساخته شد.

او همچنین سابقه نقش‌آفرینی در فیلم‌های تحسین‌شده‌ای چون «پالپ فیکشن» (۱۹۹۴) و «قلمرو طلوع ماه» (۲۰۱۲) را نیز در کارنامه دارد.

ویلیس سابقه درخشانی در عرصه تلویزیون نیز دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به بازی در نقش کارآگاه «دیوید ادیسون» در کم‌دی درام «مون‌لایتینگ» اشاره کرد که بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ از شبکه ای‌بی‌اس پخش می‌شد و یک جایزه گلدن و یک جایزه امی برای او به ارمغان آورد. او همچنین برای بازی در سریال «دوستان» به عنوان بازیگر میهمان در سال ۲۰۰۰ برنده یک جایزه دیگر امی شد.

بیش از دو سال پس از تشخیص زوال عقل بروس ویلیس، همسرش فاش کرده که این بازیگر سرشناس با وجود سلامت جسمانی «بسیار خوب» به‌طور جدی با از دست دادن قدرت تکلم و توانایی‌های شناختی مواجه است. اما همینک ویلیس، همسر بروس ویلیس، از علائم اولیه «نگران‌کننده و ترسناک» این بازیگر یاد کرده و گفته است، خانواده‌اش آموخته‌اند خود را وفق دهند چراکه مغز او در حال از کار افتادن است با وجود آنکه از نظر جسمی در سلامت بسیار خوبی به سر می‌برد بیش از دو سال پس از آنکه ابتلای بروس ویلیس به زوال عقل تشخیص داده شد، همسرش فاش کرد که مغز بروس در حال از کار افتادن و قدرت تکلمش در حال از بین رفتن است.

همینک ویلیس در یک برنامه ویژه شبکه «ای‌بی‌اس» گفت: «بروس هنوز بسیار پرتحرک است. بروس در کل از نظر جسمی در سلامتی خیلی خوبی قرار دارد. می‌دانید فقط مغزش است که دارد از کار می‌افتد. قدرت تکلمش در حال از بین رفتن است. ما یاد گرفته‌ایم خودمان را وفق بدهیم و راهی برای برقراری ارتباط با او پیدا کرده‌ایم که فقط روشی متفاوت است».

همینک ویلیس افزود که هنوز لحظاتی وجود دارد که همسر ۷۰ ساله‌اش جرقه‌ای از شخصیت پرنشاط همیشگی‌اش را نشان می‌دهد: «ما هنوز آن لحظات را تجربه می‌کنیم».

همسر این بازیگر قرار است کتابی درباره تجربه خود به عنوان مراقب «بروس ویلیس» ستاره سابق فیلم‌های اکشن هالیوودی پس از ابتلا به زوال عقل منتشر کند.

به گزارش ایسنا، این کتاب که هنوز عنوانی برای آن انتخاب نشده، قرار است تا پایان سال ۲۰۲۵ توسط انتشارات ماریا شرایور منتشر شود و در واقع راهنمایی الهام‌بخش برای کسانی خواهد بود که دنبال حمایت از بیماران مبتلا به زوال عقل هستند.

«اما همین‌نگ» همسر «بروس ویلیس» در مصاحبه اخیر خود عنوان کرده است: «برای بسیاری از مردم، اولین نقطه برخورد با این بیماری در مطب پزشک‌شان دریافت می‌شود. من فکر می‌کنم بسیار مهم است که چگونه این اطلاعات از پزشک به بیمار و عزیزان منتقل شود. داشتن منابع و اطلاعات در دسترس ضروری است. من از تجربه خود و سایر شرکای مراقبتی که با آنها صحبت کرده‌ام، متوجه شدم که داستان‌های ما متأسفانه مشابه است».

بیماری «بروس ویلیس» برای نخستین‌بار در مارس ۲۰۲۲ علنی شد، زمانی که خانواده او اعلام کردند به دلیل اختلالی که باعث مشکل در زبان یا گفتار می‌شود از بازیگری کناره‌گیری می‌کند. یک سال بعد اعلام شد که او به طور رسمی مبتلا به زوال عقل فرونتوتیمپورال (FTD) شده است. به گفته موسسه ملی پیری، علائم این بیماری شامل مشکلات عاطفی، مشکل در برقراری ارتباط، دشواری در راه رفتن و مشکل در کار است.

هنگامی که بیماری این بازیگر علنی شد، بازیگران و



مرحوم موسی اسوار ما هم جانشین آن موسی اسواری است. اسوار شاعر هم بود؛ شاعری نوسرا. خیلی به شعر قدیم علاقه نداشت و به همین جهت نوسرایان را خوب می‌شناخت. «صادق با اشاره به سخنان حداد‌آدل، دربارهٔ علاقه اسوار به ادبیات مقاومت گفت: «انسانیت چنین حکم می‌کرد که انسان شریفی چون او به برادران فلسطینی ما توجه داشته باشد. امروز می‌بینیم، دیوانه‌ای تیغ در دست گرفته و این مردمان نازنین را درو می‌کند و جهان خاموش نشسته است.»

مرگ عاشقانه

مریم حسینی، استاد دانشگاه نیز در سخنانی با ناباورانه خواندن درگذشت موسی اسوار، گفت: «با از دست رفتن مصاحبت او شکیبایی پیشه می‌کنیم زیرا حضور او را از طریق میراثی که برای ما باقی گذاشته، ادامه خواهیم داد. مرگ او، مرگ عاشقانه است. اسوار در طول زندگی خوش، عاشقانه زیست و در مصاحبه‌های گفته بود اگر دوباره فرصت زیستن می‌یافت، طریق ادبی را برمی‌گزید. اسوار شیفتهٔ ادبیات بود. او در فضای شعر سعدی و مثنوی پرورش یافته بود. با شعر محمود درویش، شاکر السیاب و نازک الملائکه همچنین نیما، شاملو و فروغ آشنا بود. اسوار پلی میان دو فرهنگ عرب و ایران بود. او با ادبیات انگلیسی آشنایی داشت. چکامه مثنوی نمونه آثار ایشان بود که در واقع اثری سزبانه بود. از استواری ترجمه، صحت و دقت آن که بگذریم، نثر زیبا، فخیم و آراسته او مایه حیرت است. مقدمه او بر این چکامه‌ها، چهره مثنوی را پس از هزار سال آشکار کرد.»

در این مراسم اعلام شد، مراسم یادبود موسی اسوار روز جمعه ۷ شهریور از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶ در مسجدالرضا (رح) واقع در میدان نیلوفر برگزار خواهد شد. ژاله آموزگار، محمود عابدی، محمدرضا ترکی، محمد دبیرمقدم، مسعود جعفری‌جزی، آبتین گل‌سکار، علی‌اصغر محمدخانی،

فرهاد طاهری و... از حاضران در این مراسم بودند.

«در دوره حضور بنده در دولت دوازدهم مطرح شد که وزارت ارشاد نباید بیشتر از ۵ معاونت داشته باشد؛ در آن دوران وزارت ارشاد ۶ معاونت داشت که اجرای این طرح به دلیل کرونا متوقف شد. در دولت سیزدهم هم این خواسته وجود داشت و با خواسته بالادستی این طرح اجرا شد. در ساختار استخدای نیز نگاه به اداره‌کل و دفتر یکسان است و این‌گونه نیست که بودجه اداره‌کل نسبت به دفتر بیشتر باشد بلکه بودجه به میزان و نوع برنامه‌ها مربوط است».

اما نکته مهم در پاسخ وزیر این بود که او در این باره تأکید کرد که معاونانش از این تغییرات باخبر بودند و در جریان چابک‌سازی چارتر وزارتخانه قرار داشتند. صالحی در این باره توضیح داد: «معاونت‌های وزارت ارشاد هر کدام درباره زیرشاخه‌های مختلف مطلع بودند. درباره برداشتن دفتر مطالعات همه معاونان می‌دانستند که قرار است به پژوهش‌گاه منتقل شود... در حوزه دفتر نیز نکاتی رفت و برگشت داشت و دوستان از ساختارها اطلاع داشتند».

این در حالی است که پیش از این مدیر اداره کل هنرهای نمایشی که از این پس باید سمت او را مدیر دفتر تئاتر معاونت هنری بدانیم از این تغییرات ابراز بی‌اطلاعی کرده و در نامه صوف خانه تئاتر به وزیر ارشاد هم بر این بی‌اطلاعی تأکید شده بود. اما سیدعباس صالحی در نشست خود با خبرنگاران آب پاکی را روی دست همه ریخت و به صراحت اعلام کرد که این تغییرات با اطلاع همه مدیران و معاونانش رخ داده و در واقع اتفاقی پنهانی و یا ناگهانی نبوده که کسی بخواهد خود را از آن بی‌اطلاع بداند.

حالا صحبت‌های وزیر به خوبی نشان می‌دهد که چنین تغییراتی آن هم در چارتر وزارتخانه از ابتدا به اطلاع همه مدیرانش رسانده شده و آنها می‌دانستند که در زیرمجموعه‌های خود چه تغییراتی رخ خواهد داد. اما با ترجیح دادن درباره آن حرفی نزنند و منتظر اعلام رسمی وزارتخانه باشند و یا اینکه همه چیز را به مرور زمان بسپارند. با همین وضعیت موجود و عدم اطلاع کارکنان و هنرمندان روزها را بگذرانند تا شاید همه چیز آرام بگذرد و دوره‌شان سپری شود و هنرمندان هم بی‌خبر از آنچه بر سر اداره کل هنرهای نمایشی آمده به فعالیت خود ادامه بدهند.

فعلا که وزیر هم مانند یکی از معاونانش می‌گوید، میان دفتر و اداره کل از نظر جایگاه تفاوتی وجود ندارد و از نظر بودجه یکسان هستند اما واقعیت این است که نه کارکنان و نه هنرمندان چنین باوری ندارند و اگر واقعا چنین تفاوتی وجود ندارد، آن را باید در عمل احساس کنند نه در گفتار و وعده‌های وزیر و مدیرانش.

زبان و ادبیات فارسی را داشت و مانند دلآوری بود که با دو دست راست و چپ، شمشیر می‌زد. اسوار بسیار پرکار بود و هیچ‌وقت دیده نشد که او قلم را زمین گذاشته باشد و هرقت سراغش می‌رفتیم، انبوهی از کار ناتمام در دست داشت. او بسیار پرکار بود، دقیق‌النظر بود و منابع را می‌شناخت. اسوار از نظر اخلاقی، بسیار محترم و آرام و دوست‌داشتنی بود و همه کسانی اسوار را می‌شناختند، از مصاحبت با او بهره می‌بردند. آرام صحبت می‌کرد و اظهارنظرهایش شتاب‌زده، جسور و بی‌پروا نبود، کمتر شنیده شد که دربارهٔ اشخاص بدگویی کند و یک خیرخواهی و دوستی و مهربانی داشت که شامل حال همه می‌شد. «رئیس فرهنگستان در پایان سخنان خود گفت: «با از دست دادن او، حقیقاً شخصیت کم‌نظیری را از دست دادیم و برایم این غصه وجود دارد که از کجا جای خالی او را پر کنیم. کاش همه مانند اسوار زندگی کنیم که بعد از درگذشت ما همه افسوس بخورند.»

فاضل و نیک‌دل

علی‌اشرف صادقی، زبان‌شناس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم از دوستی‌اش با موسی اسوار گفت که قبل از انقلاب و از بنگاه ترجمه نشر کتاب آغاز شده و گفت: «ضایعهٔ درگذشت او در من اثر کرد و برایم ناباورانه بود. دوست فاضل و نیک‌دلی را از دست دادم که به زودی خاطره‌اش فراموش نمی‌شود. اصل خانواده‌شان اهل نائین بود. او دوزبانه بود و دوزبانه خوب. برخی دوزبانه هستند اما تسلط ادبی ندارند و نمی‌توانند، خوب بنویسند اما او بر هر دو زبان تسلط ادبی داشت. در قرن سوم هجری شخصی بوده به اسم موسی اسواری؛ جاحظ نقل می‌کند، موسی اسواری یک ایرانی است که در اهواز به منبر می‌رفت که یک طرف ایرانی‌ها بودند و یک طرف عرب‌ها. او به دو زبان تسلط داشت که لحظه‌ای با ایرانی‌ها به فارسی صحبت و وعظ می‌کرد و لحظه‌ای با عرب‌ها به عربی با همان فصاحت.

نبوده و مانند اهالی تئاتر، این موضوع را از رسانه‌ها و سامانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متوجه شد. این تغییر مسیر نه قبلا به معاونت یا اداره کل اعلام شده بود و نه اینکه در دستورکار بود. این در حالی است که به زعم ما، حتی تبدیل «مرکز هنرهای نمایشی» به «اداره کل» در سال‌های دور هم، تزلی در جایگاه تئاتر به حساب می‌آمد و حالا تغییر همین «اداره کل» به «دفتر» هم به نوعی کاهش رتبه هنرهای نمایشی است. البته گاهی در سال‌های گذشته بحث ایجاد سازمان هنرهای نمایشی نیز مطرح شده است».

اما در نشست صبح سه‌شنبه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با خبرنگاران بیشترین پرسش‌ها درباره تقلیل اداره کل هنرهای نمایشی و کاهش تعداد معاونت‌های این وزارتخانه بود، حداقل سه خبرنگار از رسانه‌های مختلف و غیرهمسو درباره این اتفاق از وزیر پرسیدند. چراکه پاسخ‌های سیدعباس صالحی به سوالات اولیه از نظر خبرنگاران قانع‌کننده نبود و آنها این پرسش را چند بار تکرار کردند. وزیر در پاسخ به اولین سوال در این باره گفت:



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ترامپ قلندر

راه نجات کشورها از دست ترامپ چیست؟

مهتا معرفت

مترجم

طبقه حاکم و نخیه سنگاپور نگران و ناامید به نظر می‌رسد. کشور آنها خود را از میان شایستگان شایسته‌سالاری بالا کشید. طی ۶ دهه آنها باتلاق‌ها را خشکانند و زاغه‌ها را به نمایشگاهی تمیز از آسمان‌خراش‌ها و برج‌های مسکونی اجتماعی، بنادر بارگیری کانتینرها و پارک‌های صنعتی بسا فناوری‌های بالا تبدیل کردند. این تحولات به‌دست فایزخانحصیلان بهترین دانشگاه‌های دنیا انجام شد. وقتی صنایع قدیمی رویه افول گذاشتند، سنگاپور با سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی از قبیل زیست‌دارو و نگهداری از توریین‌های گازی پیشرفته مهارت خود را بالا برد. این پیشرفت‌ها با رشد شکوفایی بنگاه‌های بزرگ مالی و خدماتی هم‌راستا بودند. سیاست‌های دونالد ترامپ به‌ویژه در حوزه تجارت جهانی و اعمال تعرفه‌ها، تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد سنگاپور داشته است. سنگاپور به‌عنوان اقتصادی وابسته به تجارت آزاد و صادرات به شدت تحت تأثیر جنگ تجاری آمریکا و چین و سیاست‌های حمایت‌گرایانه ترامپ قرار گرفت. تعرفه‌های سنگین بر کالا‌هایی مانند نیمه‌های‌دا که بخش مهمی از صادرات سنگاپور را تشکیل می‌دهند، باعث کاهش صادرات این کشور به بازارهای کلیدی مانند آمریکا و چین شد. برای مثال در سال ۲۰۲۵ صادرات غیرنفتی سنگاپور به آمریکا ۴۲/۷ درصد و به چین ۱۲/۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. این امر به دلیل تعرفه‌های متقابل و بی‌ثباتی در زنجیره تأمین جهانی بود. همچنین تقویت دلار و افزایش نرخ بهره ناشی از سیاست‌های اقتصادی آمریکا، فشار مضاعفی بر بازارهای نوظهور از جمله سنگاپور وارد کرد. شرکت سرمایه‌گذاری تمسک سنگاپور هشدار داد که این سیاست‌ها می‌توانند به بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری بین‌المللی منجر شوند. با این حال، سنگاپور در نیمه اول ۲۰۲۵ رشد اقتصادی ۴/۳ درصدی را ثبت کرد عمدتاً به دلیل «بارگیری زودرس» صادرات برای دور زدن تعرفه‌ها و توافقات تجاری با نرخ‌های پایین‌تر با آمریکا و سایر شرکا. اما پیش‌بینی می‌شود با اعمال تعرفه‌های جدید به‌ویژه بر نیمه‌های‌دا با نرخ ۱۰۰ تا ۳۰۰ درصد، رشد اقتصادی در نیمه دوم ۲۰۲۵ کاهش یابد. نخبگان سنگاپور در دور اول ترامپ نگران آن بودند که نیروهای تاریخی که فراتر از کنترل آنها هستند از دل تنش‌های بین دو شریک مهم تجاری آنها، یعنی آمریکا و چین بیرون بیایند و جهان را به دو بلوک ایدئولوژیک و اقتصادی تقسیم کنند. اکنون فن‌سالاران سنگاپور احساس می‌کنند که در دور دوم ترامپ، خطر تجزیه اقتصاد جهان به دو بخش کم‌رنگ می‌شود. آنها به جای نگرانی در مورد تقسیم‌بندی‌های بزرگ ژئوپلیتیک نگران عوامل کوچک و حتی کیفی هستند که بر تصمیم‌گیری‌های تجاری تأثیر می‌گذارند. به نظر می‌رسد، رئیس‌جمهور آمریکا به شایستگی به‌عنوان محرک سرمایه‌گذاری اعتقادی ندارد و به جای آن خوشاندندسالاری را برگزیده است. در نسخه او از جهانی‌سازی کشورها می‌توانند با پیشنهاد صرف میلیاردار دلار در کارخانه‌های ایالت‌هایی که به ترامپ رای داده‌اند، نظر لطف آمریکا را بخرند. دیگر دولت‌ها قراردادهای انبام‌آلودی را در زمینه رمزی‌پول‌ها به خانواده رئیس‌جمهور و حلقه داخلی او پیشنهاد کرده‌اند. در جنوب شرق آسیا که حیطا پشتی سنگاپور محسوب می‌شود، کشورهایی که می‌توانستند برای تقویت تجارت منطقه‌ای با یکدیگر همکاری کنند در حال تلاش برای جذب تجارتی هستند که از همسایگان مشمول تعرفه‌های بالا روی برگردانده است. گان کیم‌پانگ، معاون نخست‌وزیر و وزیر تجارت در اواخر جولای و بلافاصله پس از بازگشت از واشنگتن در همایشی سیاسی در سنگاپور شرکت کرد. وقتی از او پرسیدند آیا تعرفه ۱۰ درصدی سنگاپور در آینده افزایش می‌یابد. او خطاب به حاضران متشکل از صاحبان کسب‌وکار، فن‌سالاران، اندیشمندان و دانشجویان گفت: مقامات آمریکا قابل اعتماد نیستند. او اذعان کرد که در مورد تعرفه‌های بخشی اظهارات زیادی وجود دارد. قرار است، آمریکا تعرفه‌هایی را برای نیمه‌رساناها و محصولات دارویی در نظر بگیرد که کسب‌وکارهای بزرگی در سنگاپور هستند. همچنین او نتوانست هیچ توضیح شفافی درباره سرمایه‌گذاری‌هایی بدهد که قرار است، ژاپن و اتحادیه اروپا و دیگران در آمریکا انجام دهند. ممکن است منابع مالی که برای سرمایه‌گذاری در سنگاپور در نظر گرفته شده بودند، سسر از جای دیگری درآورند. سنگاپور حاضر نیست از جهانی‌سازی دست بکشد. راوی منون، رئیس سابق بانک مرکزی در این همایش گفت، «نمی‌توان قانون مزیت رقابتی را به آسانی کنار گذاشت. تجارت همانند آب در طبیعت است و راه خودش را پیدا می‌کند». او دیگر کشورها را به خاطر حملات کنونی به جهانی‌سازی مقصر دانست. دولت‌هایی که نتوانستند، نیروی کارشان را بازآموزی و منافع رشد را در سرتاسر جامعه توزیع کنند. در مقابل، سنگاپور به همراه سوئیس و دانمارک نمونه‌هایی از حکمرانی خوب هستند. آقای وانگ می‌گوید: «برخی افراد سنگاپور را کسل‌کننده می‌خواستند اما ما ثبات داریم و پیش‌بینی‌پذیر هستیم. قابل اعتماد بودن یک دارایی است که دیگران حاضرند برای آن بپردازند.» سنگاپور قصد ندارد، روشش را تغییر دهد اما حیطا مدرسه درس دیگری هم به ما می‌دهد: اگر قدرها منفور باشند همین اتفاق هم اغلب برای دانش‌آموزان نخبه پیش می‌آید. فقط اتلافی بزرگ از کشورها می‌تواند، جهانی‌سازی را از دست ترامپ نجات دهد. کشور‌های نخبه به تهایی قادر به انجام چنین کاری نیستند.

منبع: اکونومیست

پیامدهای ماشه

چگونه از فعال شدن مکانیسم ماشه جلوگیری کنیم؟

جمشید پیش‌قدم

تحلیلگر اقتصادی

فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا «اسنپ‌بک» در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به معنای بازگشت فوری و خودکار تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است که پیش‌تر در توافق هسته‌ای برجام لغو شده بودند. این سازوکار، بدون نیاز به تصمیم‌گیری جدید یا امکان استفاده از حق وتو، تحریم‌های مالی، بانکی، نفتی و فناوری‌های حساس هسته‌ای را بازمی‌گرداند. پیامدهای این اقدام در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترده است و می‌تواند ایران را در موقعیت دشواری قرار دهد.

در حالی که فعال شدن مکانیسم ماشه به کابوسی برای اقتصاد ایران تبدیل شده، برخی نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند، برخی با تهدید پاسخ می‌دهند و برخی خواستار جلوگیری از آن هستند.

بازگشت تحریم‌ها چنانکه یدالله کریمی‌پور معتقد است؛ فشار اقتصادی شدیدی بر ایران وارد خواهد کرد. کاهش درآمدهای نفتی، به‌عنوان ستون اصلی اقتصاد ایران، یکی از بارزترین اثرات خواهد بود. با محدود شدن صادرات نفت و محصولات

پتروشیمی، منابع ارزی کشور کاهش می‌یابد که به افت ارزش پول ملی و افزایش تورم منجر می‌شود. این وضعیت، گرانی کالاها، به‌ویژه مواد غذایی و دارو، را در پی خواهد داشت. همچنین دسترسی ایران به سیستم مالی جهانی محدودتر شده و تراکنش‌های بین‌المللی با اختلال مواجه می‌شوند. شرکت‌های خارجی که با ایران همکاری می‌کنند تحت تحریم‌های ثانویه قرار گرفته و این امر سرمایه‌گذاری خارجی را به شدت کاهش می‌دهد.

علاوه بر این، بازرسی شناورهای ایرانی در آب‌های بین‌المللی و حذف یا گران شدن بیمه کشتی‌ها، هزینه‌های تجارت خارجی را افزایش می‌دهد. این محدودیت‌ها، زمان ترخیص کالاها را طولانی‌تر کرده و زنجیره تأمین را مختل می‌کند. در سطح داخلی، کاهش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط، افزایش بیکاری و کاهش قدرت خرید مردم، زندگی روزمره را دشوارتر خواهد کرد. پس‌اندازهای مردم به دلیل افت ارزش ریال کاهش یافته و آینده اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی‌تری می‌شود.

از منظر سیاسی، فعال‌سازی مکانیسم ماشه موقعیت ایران در مذاکرات هسته‌ای را تضعیف می‌کند. این ابزار به کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا و اروپا، اهرم فشاری می‌دهد تا ایران را به بازگشت کامل به تعهدات برجام یا پذیرش شرایط جدید وادار

بازار سهام

ترمز بورس

چه عاملی باعث کاهش مبادله سهام می‌شود؟

نسرتین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام دیروز با رشد نسبی شاخص‌ها به کار خود پایان داد. شاخص کل بورس با افزایش ۱۴ هزار و ۷۴۱ واحدی معادل ۰/۶۱ درصد در سطح ۲ میلیون و ۴۳۱ هزار و ۳۹ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن که وضعیت عمومی سهام شرکت‌ها را نشان می‌دهد با رشد ۱ هزار و ۲۵۴ واحدی معادل ۰/۱۷ درصد در رقم ۷۶۰ هزار و ۹۲۸ واحد ثبت شد. این ارقام نشان می‌دهند که گرچه روند رشد بازار ملایم بود اما سمت تقاضا توانست، فشار فروش را تا حدی کنترل کند.

بررسی جزئیات معاملات نشان می‌دهد که سرانه خرید سهامداران حقیقی به ۴۶/۳ میلیون تومان و سرانه فروش به ۴۱ میلیون تومان رسید. نسبت قدرت خرید حقیقی به حقیقی

کنند. به گفته عبدالرضا فرجی‌راد، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، بازگشت تحریم‌ها با پشتوانه حقوقی شورای امنیت می‌تواند، اقدامات نظامی احتمالی علیه ایران را «قانونی» جلوه دهد. این موضوع ریسک تنش‌های منطقه‌ای را افزایش داده و ایران را در برابر فشارهای نظامی و دیپلماتیک آسیب‌پذیرتر می‌کند. علاوه بر این، کشورهای دیگر حتی آن‌هایی که تمایل به همکاری با ایران دارند، به دلیل الزامات حقوقی شورای امنیت، ناچار به اجرای سختگیرانه‌تر تحریم‌ها خواهند شد. این امر می‌تواند به کاهش سطح روابط دیپلماتیک، سخت‌تر شدن دریافت ویزا و محدودیت‌های مهاجرتی منجر شود. در



نتیجه، انزوای دیپلماتیک ایران تشدید شده و توانایی کشور برای ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی کاهش می‌یابد. در سطح اجتماعی، فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌تواند نارضایتی عمومی را افزایش دهد. گرانی، کمبود کالا‌های اساسی و کاهش فرصت‌های شغلی، فشار روانی و اقتصادی بر خانواده‌ها را تشدید می‌کند. این وضعیت ممکن است به نارضایتی از عملکرد دولت منجر شود به‌ویژه در شرایطی که اعتماد عمومی به نهادهای دولتی تحت تأثیر مشکلات اقتصادی قرار دارد.

با توجه به آگاهی دولت ایران از ابعاد گسترده این تهدید، احتمالاً تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه افزایش خواهد یافت. ایران ممکن است از طریق مذاکرات غیرمستقیم یا واسطه‌هایی مانند قطر و عمان به دنبال کاهش تنش‌ها باشد. همچنین تقویت روابط با کشورهای غیرغربی مانند چین و روسیه می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای کاهش اثرات تحریم‌ها مدنظر قرار گیرد، هرچند این کشورها نیز به دلیل ملاحظات حقوقی شورای امنیت، ممکن است در همکاری با ایران محتاط‌تر شوند.

به هر حال فعال‌سازی مکانیسم ماشه، چالشی چندوجهی برای ایران ایجاد می‌کند. در بعد اقتصادی، کاهش درآمدها، تورم و انزوای مالی، زندگی مردم را دشوارتر خواهد کرد. در

بعد سیاسی این اقدام، موقعیت ایران را در مذاکرات تضعیف کرده و ریسک تنش‌های نظامی را افزایش می‌دهد. در سطح اجتماعی، نارضایتی عمومی و فشارهای روانی تشدید خواهد شد. با این حال، ایران احتمالاً با تقویت دیپلماسی و مدیریت داخلی، تلاش خواهد کرد تا اثرات این بحران را کاهش دهد. موفقیت این تلاش‌ها به عوامل متعددی از جمله انسجام داخلی و تحولات بین‌المللی بستگی دارد.

در عین حال باید توجه داشت که اگر به هر دلیلی، مکانیسم ماشه فعال شد، آن را پایان دنیا و ایران قلمداد نکنیم. ایران طی سال‌های اخیر توانسته است با تکیه بر ظرفیت‌های بومی، فناوری‌های پیشرفته و شبکه‌های منطقه‌ای، بخشی از فشار تحریم‌ها را خنثی کند. تجربه نشان داده است که فشارهای خارجی، اگرچه سخت و پرهزینه هستند و اقتصاد ایران را فلج می‌کنند و می‌توانند دامنه نارضایتی‌ها را افزایش بدهند اما به وقت جنگ، ایرانیان نشان دادند با همراهی دولت و همگرایی داخلی، می‌توانند سختی‌ها را تحمل کنند به شرط اینکه چشم‌انداز روشنی وجود داشته باشد.

از منظر امنیت ملی نیز دولت می‌تواند با تقویت پیوندهای منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای همسایه و قدرت‌های نوظهور آسیایی، هزینه‌های

انزوای تحمیلی غرب را کاهش دهد.

تجربه تاریخی نشان داده که فشارهای یک‌جانبه خارجی در نهایت به بازگشت به میز مذاکره منتهی می‌شود. ایران می‌تواند با اتخاذ راهبردی هوشمندانه، دوباره میز مذاکره را فعال کند. منوط به اینکه استراتژی ما، مذاکره برای مذاکره نباشد. مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌ها باشد. از زاویه امنیت داخلی نیز انسجام ملی و مدیریت رسانه‌ای نقشی تعیین‌کننده دارند. آگاهی‌بخشی به افکار عمومی درباره ابعاد جنگ اقتصادی، می‌تواند از شکل‌گیری روایت‌های مغرضانه جلوگیری کرده و جامعه را نسبت به اهداف واقعی قدرت‌های خارجی حساس‌تر کند. در همین مسیر، تقویت دیپلماسی عمومی و روایت‌سازی در رسانه‌های جهانی می‌تواند، چهره‌ای فعال و مقاوم از ایران به نمایش بگذارد.

در نهایت، فعال شدن مکانیسم ماشه را می‌توان آزمونی تاریخی برای ایران دانست؛ آزمونی که تهدیدهای فوری در حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع دارد. موفقیت ایران در عبور از این چالش بیش از هر چیز وابسته به انسجام داخلی، تقویت توان دیپلماتیک و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی است. اگر این مسیر با هوشمندی طی شود نه تنها آثار منفی تحریم‌ها مهار خواهد شد بلکه ایران می‌تواند در موقعیتی جدید و قدرتمندتر در معادلات آینده جهان ظاهر شود.

احتیاطی قرار دارد و روند رشد شاخص‌ها به صورت همگن در همه صنایع مشاهده نمی‌شود.

در پایان معاملات دیروز ۳۷ صف خرید و ۲۳۶ صف فروش در بازار ثبت شد. تعداد بالای صف‌های فروش در مقایسه با صف‌های خرید نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از معامله‌گران همچنان تمایل به نقد کردن دارایی‌های خود دارند. در دقیقه پایانی معاملات نیز ارزش سفارش‌های خرید ۳۶۳ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۳ هزار و ۱۹۲ میلیارد تومان بود که این تفاوت شدید ارزش سفارش‌ها به وضوح حاکی از فشار عرضه در بازار است.

حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۱/۳ میلیارد برگه سهم رسید و ارزش معاملات ۴ هزار و ۱۹۸ میلیارد تومان ثبت شد. این سطح از معاملات نسبت به روزهای اخیر کمی افزایش یافته و نشان‌دهنده حضور فعال‌تر سرمایه‌گذاران حقیقی در بازار است. افزایش حجم معاملات و ورود پول حقیقی، به‌ویژه در کنار خروج نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر جهت جزئی در جریان نقدینگی به سمت سهام باشد.

تصویر کلی بازار دیروز نشان می‌دهد که شاخص‌ها توانستند تحت تأثیر تقاضای حقیقی رشد نسبی داشته باشند هرچند فشار فروش در اکثر نمادها همچنان محسوس بود.

تویخ رئیس توسط وزیر

مواجهه لفظی وزیر علوم و رئیس دانشگاه شهید بهشتی بر سر ضعف امکانات رفاهی دانشجویان

گروه اجتماعی: دیروز شبکه‌های اجتماعی فیلمی را منتشر کردند که در آن حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دولت مسعود پزشکیان به صورت سرزده وارد خوابگاه دختران دانشگاه شهید بهشتی شد و مدیریت دانشگاه را مورد سرزنش قرار داد. دلیل حضور وزیر نبود آب و شرایط نامناسب رفاهی بود. او در جمع دانشجویان خطاب به مسئولان گفت که کمبود آب و امکانات اولیه نتیجه «سوءمدیریت» و کوتاهی مسئولان دانشگاه است و اعلام کرد، وضعیت را از نزدیک پیگیری خواهد کرد. در مقابل، سیدمحمودرضا آقامیری، رئیس دانشگاه شهید بهشتی که در صحنه حاضر بود، پاسخ داد که وزارت علوم مقصر اصلی است زیرا اعتبار لازم برای تعمیر تأسیسات و تأمین آب را اختصاص نداده است؛ این پاسخ موجب درگیری لفظی و جدل میان دو طرف شد. هم‌زمان دانشجویان از نبود آب آشامیدنی و وضعیت نامطلوب سرویس‌ها شکایت می‌کردند.

حسین سیمایی صراف ۵۶ ساله، وکیل، سیاستمدار و استاد دانشگاه است. او در دولت حسن روحانی دبیر هیات دولت بود و پیش از انتخاب به عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در دولت مسعود پزشکیان در مرداد ۱۴۰۳ «دبیر هیات دولت» و معاون امور حقوقی و مجلس وزارت علوم بود. بر اساس گزارش‌های مؤسسه مطالعاتی رسانه، وی در وزارت علوم مسئولیت‌های مختلفی داشته و سابقه اجرایی قابل توجهی دارد. وی عضو هیچ حزب سیاسی نیست و سابقه آموزشی و پژوهشی دارد.

جامعه

سونامی مصرف گل

دسترسی ارزان به ماده مخدر گل مصرف آن را در جامعه نسبت به شیشه تشدید کرده است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

سردار احمد محمدیان، فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در نشست خبری اخیر خود از «تغییر الگوی مصرف مواد مخدر» در پایتخت خبر داد و اعلام کرد که اکنون مصرف ماری‌جوانا یا «گل» به اولین ماده مصرفی تبدیل شده و حتی از «شیشه» پیشی گرفته است. او با اشاره به تغییر شرایط بازار گفت که با کاهش ورود مواد مخدر از کشورهای همسایه، مصرف‌کنندگان به سمت مواد ارزان‌تر و در دسترس‌تر مانند گل گرایش یافته‌اند و بیشترین کشفیات پلیس نیز در حوزه این ماده متمرکز است.

نقشه اعتیاد در ایران: چه موادی مصرف می‌شود؟

مطالعات اپیدمیولوژیک نشان می‌دهد که تریاک هنوز بیشترین سهم را در مصرف مواد مخدر دارد. دکتر رضا ملک‌زاده، رئیس پژوهشکده بیماری‌های گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید حداقل ۱۰ درصد ایرانیان بالای ۴۰ سال به صورت تفتنی یا مستمر تریاک مصرف می‌کنند و این ماده ۶۹ درصد مواد مخدر مصرفی را به خود اختصاص داده است. او همچنین به تفاوت جغرافیایی این مصرف اشاره می‌کند: بیشترین میزان در استان گلستان (۱۸ درصد) و کمترین در شهرهای روانسر و شیبستر (حدود ۱ درصد) است. به گفته او میانگین سن شروع مصرف مواد در کشور ۲۲ سال و متوسط سن سوء مصرف‌کنندگان ۳۳ سال است و ۹۰ درصد مصرف‌کنندگان مرد هستند.

کاهش مصرف تریاک و رشد مواد صنعتی

با این حال گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که مصرف تریاک در ۷ سال اخیر کاهش چشمگیری یافته و هروئین و شیشه به شایع‌ترین مواد مصرفی در بسیاری از استان‌ها بدل شده‌اند. افزایش بهای تریاک و هروئین بسیاری از مصرف‌کنندگان را به سمت متادون بازار سیاه سوق داده همچنین ناخالصی هروئین موجب افزایش دوز مصرفی می‌شود. بر مبنای آخرین تحقیق کشوری سال ۱۳۹۵ یادآور می‌شود که ۸/۸ میلیون نفر مصرف‌کننده مستمر مواد مخدر در ایران وجود دارد که ۲/۱۷ میلیون نفر آنها تریاک، ۲۹۷ هزار نفر هروئین و ۲۲۷ هزار نفر شیشه مصرف می‌کردند. همان تحقیق نشان می‌داد که ۸/۶۶ درصد معتادان تریاک، ۹/۱۱ درصد ماری‌جوانا و گل، ۶/۱۰ درصد هروئین و ۸/۸ درصد شیشه مصرف می‌کنند. هرچند ترکیب مصرف در سال‌های اخیر تغییر کرده و گل این روزها صدرنشین است اما این اعداد تصویر روشنی از حجم مصرف ارائه می‌دهد.

حضور سیمایی صراف در کابینه پزشک‌یان به عنوان یک حقوق‌دان و دانشگاهی، انتظار اصلاحات در نظام آموزش عالی را ایجاد کرد. او در اولین اظهاراتش بر «بازگرداندن کرامت دانشگاه» تأکید کرد و وعده داد که دانشجویان و اساتید محروم شده از تحصیل و تدریس به دانشگاه‌ها بازگردند. همچنین از برنامه سه ساله شدن دوره کارشناسی، استفاده از ظرفیت اساتدان مهاجر و کوتاه کردن روندهای اداری سخن گفت و اعلام کرد با وجود مقاومت‌ها، مصمم به اجرای این طرح‌هاست.

این اولین بار نیست که سیمایی صراف به وضعیت دانشجویان خوابگاهی رسیدگی جدی کرده است. در بهمن سال گذشته امیرمحمد خالقی، دانشجوی ۱۹ساله رشته مدیریت کسب‌وکار دانشگاه تهران، هنگام بازگشت از دانشگاه به خوابگاه در حوالی کوی دانشگاه توسط دو سارق با چاقو مورد حمله قرار گرفت و بر اثر «جراحت شدید ناحیه تنفسی» جان باخت. این حادثه موجی از اعتراض دانشجویان به نبود امنیت در خوابگاه‌ها را به دنبال داشت. سیمایی صراف در جلسه‌ای با مسئولان دانشگاه تهران و دانشجویان ضمن عذرخواهی رسمی از خانواده خالقی و مردم، گفت هیچ دانشجویی بازداشت نشده است و قول داد به طور جدی پیگیر پرونده قتل باشد. او همچنین دستور داد، تجهیزات نظارتی مانند دوربین‌های مداربسته و کیوسک‌های پلیس در اطراف خوابگاه‌های دانشگاه تهران نصب شود. او بعدها در ماجرای

سرقت از دانشجوی دختر دانشگاه شهید بهشتی نیز مدام بر حفظ امنیت محیط اطراف خوابگاه‌ها تأکید کرد.

بازگشت دانشجویان و لغو محرومیت‌ها

یکی از وعده‌های اصلی سیمایی صراف پس از آغاز به کار بازگرداندن دانشجویانی بود که در پی اعتراضات ۱۴۰۱ از تحصیل محروم شده بودند. او بارها اعلام کرد که هیچ دانشجویی نباید از تحصیل باز بماند و گفت همه پرونده‌ها مورد بازنگری قرار می‌گیرند. او در نهایت در آخرین نشست خبری خود همچنین دیروز در جمع خبرنگاران اعلام کرد که: به تمام پرونده‌های دانشجویانی که از تحصیل محروم شده بودند، رسیدگی شده و همه آنان به دانشگاه بازگشته‌اند. همچنین تصریح کرد اگر دانشجویی فکر می‌کند مشمول این بازنگری بوده اما همچنان از تحصیل محروم است باید به سازمان امور دانشجویان مراجعه کند. این موضع در سخنان دیگر مدیران او نیز تکرار شده است؛ نماینده وزارت علوم در مهر ۱۴۰۳ اعلام کرد که دانشجویان ممنوع‌الورود به دانشگاه‌ها به کلاس‌ها بازگشته‌اند و برخی پرونده‌های انضباطی بسته شده است.

تحصیلی و مشکل تعامل اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. داده‌های سازمان ملل نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۹۶ میلیون نفر در جهان، انواع مواد مخدر مصرف کرده‌اند و ۲۱۹ میلیون نفر از آنها مصرف‌کننده کانابیس بوده‌اند؛ این رقم نسبت به سال ۲۰۲۰، ده میلیون نفر افزایش یافته است. بر اساس همین گزارش ۷۰ میلیون مصرف‌کننده کانابیس در قاره آمریکا، ۶۲ میلیون در آسیا و ۵۴ میلیون در آفریقا زندگی می‌کنند. این افزایش جهانی به آزادسازی مصرف در برخی کشورها نسبت داده می‌شود.

آزادی کنترل شده

در فروردین ۱۴۰۳ آلمان به بزرگ‌ترین کشور اتحادیه اروپا تبدیل شد که مصرف تفریحی ماری‌جوانا را قانونی اعلام کرد. بر اساس این قانون، افراد بالای ۱۸ سال مجازند حداکثر ۲۵ گرم ماری‌جوانای خشک به همراه داشته باشند و تا سه بوته در منزل پرورش دهند. قرار است «کلاب‌های ماری‌جوانا» تشکیل شود که هر کدام تا ۵۰۰ عضو دارند و اعضا ماهانه ۵۰۰ سهمیه دریافت خواهند کرد. مصرف و حمل این ماده برای افراد زیر ۱۸سال یا در فاصله ۱۰۰ متری مدارس و زمین‌های بازی ممنوع است. منتقدان این قانون می‌گویند، ممکن است مصرف جوانان را افزایش دهد و پیامدهای عصبی و روانی داشته باشد اما دولت آلمان تأکید کرده که با کمپین‌های آگاهی‌رسانی و نظارت از سوء مصرف جلوگیری خواهد کرد.

کانادا: مقررات شبیه الککل

کانادا در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۸ به دومین کشور جهان پس از اروگوئه تبدیل شد که کشت، تملک و مصرف ماری‌جوانا را در سطح ملی قانونی می‌کند. این قانون، که به «قانون شاهدانه» معروف است، مصرف تفریحی را مجاز دانست اما مقرراتی مشابه الککل تعیین کرد: محدودیت سنی برای خرید و مصرف، محدودیت برای تولید خانگی، مقررات توزیع و مناطق مجاز مصرف و مالیات‌گذاری بر فروش. فروش این ماده به افراد زیر ۱۸ سال و رانندگی تحت تأثیر آن جرم محسوب می‌شود. پس از اجرای این قانون، خرید اینترنتی ماری‌جوانا تحت نظارت دولت‌های استانی صورت می‌گیرد و فروشگاه‌های حضوری توسط دولت یا بخش خصوصی اداره می‌شوند.

آزادی به شرط نظارت

حتی در کشورهایی که مصرف گل را آزاد کرده‌اند، محدودیت بر سن، مقدار و محل مصرف وجود دارد و دولت‌ها با اخذ مالیات، سرمایه‌گذاری در آموزش و درمان و نظارت بر کیفیت محصول تلاش می‌کنند که بازار را کنترل کنند. تجربه آلمان و کانادا نشان می‌دهد که آزادسازی صرفاً در چارچوبی دقیق و با هدف کنترل بازار سیاه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی انجام می‌شود. این نکته در گزارش ایرنا نیز تکرار می‌شود؛ پژوهشگران هشدار می‌دهند که آزادسازی مصرف در غرب همراه با قیدهای خاص میزان و دوز است و «نادیده گرفتن این قیدها» در ایران می‌تواند، عواقب خطرناک‌تری داشته باشد.



بازگشت اساتید و برکناری مدیران تندرو

دومین چالش جدی، بازگرداندن اساتدان اخراجی پس از اعتراضات ۱۴۰۱ بود. یکی از آنها شریفی‌زارچی، استاد زیست اطلاعات دانشگاه شریف بود که به دلیل حمایت از دانشجویان معترض، اخراج شده بود اعلام کرد پس از یک سال به کار بازگشته است. در ادامه سایر اساتدهای اخراجی نیز به کلاس درس بازگشتند. او همچنین مدیر تدروی دانشگاه علامه طباطبایی را به دلیل بیان اظهارات توهین‌آمیز درباره مهسا امینی برکنار کرد. این اقدام پیام آشکاری بود مبنی بر اینکه وزارت علوم به رفتارهای حذفی دستگاه‌های قبلی پایبند نیست و می‌خواهد، چهره‌ای معتدل‌تر از خود نشان دهد.

اصلاح ساختار آموزش عالی

سیمایی صراف علاوه بر مدیریت بحران‌ها، برنامه‌های اصلاحی دیگری نیز مطرح کرده است. او پیشنهاد ۳ ساله شدن دوره کارشناسی را از جمله اصلاحات سخت اما ضروری دانست و گفت بیش از ۲ هزار رشته وجود دارد و اجرای این طرح زمانبر است اما برای تقویت کیفیت آموزش باید مقاومت‌ها را تحمل کرد.

گزارش ویژه

ثبت سرعت ۱/۹۳۳ کیگاییتی ۵G همراه اول در حضور وزیر ارتباطات

همراه اول از سایت جدید 5G رونمایی کرد

به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، آیین افتتاح پروژه‌های حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات استان یزد روز دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴ با حضور سیدستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، محمدرضا بابایی‌دره استاندار یزد، جمعی از نمایندگان مجلس، معاونان وزیر ارتباطات، مدیران استانی و نمایندگان اپراتورهای تلفن همراه در استانداری یزد برگزار و طرح‌های ارتباطی استان به‌صورت ویدیویی افتتاح شد.

در جریان این مراسم، همراه اول از سایت 5G شهید معظمی شهر یزد و یک سایت 4G در روستای سرو و کمال‌آباد شهرستان مهریز بهره‌برداری کرد و این سایت‌ها رسماً به شبکه ارتباطی استان پیوست.

به دستور وزیر ارتباطات، تست سرعت روی سایت جدید 5G اپراتور اول تلفن همراه کشور انجام شد و سرعت ۱۹۳۳ مگابیت بر ثانیه به ثبت رسید که مورد توجه حاضران قرار گرفت. در ادامه، گزارشی از عملکرد یک ساله همراه اول در اجرای پروژه‌های خدمات‌رسانی عمومی (USO) ارائه شد؛ این اپراتور از هفته دولت ۱۴۰۳ تا هفته دولت ۱۴۰۴ در سراسر کشور ۱۱۳۰ سایت جدید راه‌اندازی کرده که با احداث آنها ۱۳۱۵ روستا در کل کشور به شبکه ملی اطلاعات متصل شده‌اند.

رضا کاظمی، معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه اول نیز اعلام کرد: از ابتدای دولت چهاردهم، همراه اول در قالب پروژه توسعه شبکه خود ۳۰ سایت جدید و در قالب تعهدات پروژه USO نیز ۶۶ سایت برای پوشش ۷۶ روستا در استان یزد راه‌اندازی کرده است.

وزیر ارتباطات ضمن قدردانی از تلاش‌های همراه اول در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی (که عملاً بزرگ‌ترین شبکه روستایی کشور را در اختیار دارد) بر ضرورت تسریع اجرای پروژه فیبر نوری استان یزد تأکید کرد.

همچنین گفتنی است در این مراسم، سایت‌های 5G ایرانسل به بهره‌برداری رسید و سرعت ۱۳۸۷ مگابیت بر ثانیه در تست داندلود به ثبت رسید.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حرف‌چین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۸۵

چهارشنبه ۲ اسفند دیدار با سفیر سوئیس

ستاد برگزاری همایش وفاق ملی به نام «رقابت‌های سیاسی [و امنیت ملی]» آمدند. ترکیبی از نمایندگان سه قوه، وزارت اطلاعات و وزارت کشور بودند. از من می‌خواستند که آقای [محمدرضا] صادق که با آنها همکاری دارد، نماینده مجمع [تشخیص مصلحت نظام] باشد؛ فعلاً به عنوان شخص خودش است. آقایان [علی] باقری از [وزارت] اطلاعات و [محمدرضا] تاجیک از ریاست‌جمهوری و [عبدالرضا] ایزدپناه از قوه قضاییه و [حسام‌الدین] آشنا از [وزارت] اطلاعات گزارش دادند و از مخالفت‌هایی که از هم‌اکنون شروع شده است، اظهار نگرانی کردند. من هم تذکرادم که به گونه‌ای عمل شود که باعث داغ‌تر شدن اختلافات و عقب‌گرد نباشد؛ به‌خصوص که ممکن است، این سوال پیش بیاید که سران سه قوه، چرا در مذاکرات خصوصی، اختلافات را حل نمی‌کنند و می‌خواهند، در همایش عمومی مطرح کنند. می‌خواهند احزاب را هم دعوت کنند و معلوم نیست، در جمع احزاب، مذاکرات چه نتیجه‌ای خواهند داد؟

مدیران تربیت بدنی و فدراسیون والیبال آمدند. آقایان [سعید] فاتقی، [معاون فنی سازمان تربیت بدنی] و [محمدرضا] یزدانی خرم، [رییس فدراسیون والیبال] گزارش دادند و از کمک‌های مؤثر من در دوران ریاست‌جمهوری به رونق ورزش قدردانی کردند. من هم در ضرورت به توسعه ورزش و تأثیر ورزش در جامعه صحبت کردم.

عصر [آقای تیم گولدمن] سفیر سوئیس آمد. خواست از سیاست مجمع تشخیص [مصلحت نظام] و نقش و نظر مجمع دربارهٔ روابط با آمریکا و صلح خاورمیانه و نامزدی آقای [سیدمحمد] خاتمی، مطلع شود؛ کمی فارسی بلد است.

آقایان [محمدرضا] یزدان‌پناه، [مدیرعامل سابق منطقه آزاد کیش] و [محمدرضا] واقفی آمدند. یزدان‌پناه گفت، به دستور دفتر رهبری عزل شده است. طرحی برای ایجاد یک شهر مُدرن در کنار ماهان کرمان داشت؛ مشورت کرد. سوالاتی کردم که جواب آماده نداشت. نگران است که به خاطر مسایل مربوط به کیش محاکمه شود. یکی از مدیرانش را بازداشت کرده‌اند. آقای واقفی از جو ارباب و توقیف و فشار بر نیروهای جناح دوم خردادی‌ها انتقاد کرد و از من دعوت کردند که مثل سال‌های قبل، نوروز را به کیش بروم.

شب، میهمان رهبری بودم. دربارهٔ مسایل [مجلس] خبرگان و ناراحتی خبرگان از وضع موجود کشور و راهکارهای جلوگیری از بحران صحبت کردیم. معتقدند اختلافات در جناح دوم خردادی‌ها جدی است. شنیده بودند که آقای [غلامحسین] کرباسچی و خانواده‌اش به اسم تحصیل به کانادا رفته‌اند و می‌خواهند بمانند. دربارهٔ همایش رقابت سیاسی که وزارت اطلاعات دنبال می‌کند و از ایشان پیام خواسته‌اند، اظهار تردید کردند.

روزنامه کیهان، دیروز عکس و خبری از همایش [دفاع از قربانیان خشونت سازمان ملل] در دفتر مطالعات [سیاسی و بین‌المللی] وزارت امورخارجه نقل کرده بود که چند خانم خارجی بدون حجاب در عکس بودند. سپس امروز روزنامه رسالت نوشته و انتقاد شدید کرده. در قم جمعی از طلاب تظاهرات کرده و فردا را تظاهرات عمومی اعلان و در اصفهان و جاهای دیگر هم تحرکاتی را شروع کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد سروصدای زیادی خواهیم داشت به خصوص که حرف‌های تُندی هم در جمع زده شده و در مقابل جمعی از شرکت‌کنندگان به خاطر تحمیل حجاب بر آنها اعتراض کرده‌اند.

انتقاد به اظهارات [ولفگانگ تریز]، رییس مجلس آلمان در ایران به عنوان دخالت در امور داخلی، وسیع شده و او هم پاسخ گفت و مشاجره دو به دو شده است. انتقاد از مصوبه مجلس در مورد اسناد موقوفه و منع ورود نیروهای انتظامی به دانشگاه‌ها و مدارس، شدید و وسیع است. [روزنامه] کیهان، مقاله تُندی نوشته و مجلسیان، آن را توهین به مجلس تلقی کرده‌اند و مشاجره پیش آمده است.

تقویم: به یاد جهان پهلوان

غلامرضا تختی، پهلوان نام‌آور ایران در ۳۷ سالگی خودکشی کرد. اگر زنده بود، امروز ۹۵ ساله می‌شد. تختی با منش پهلوانی و زندگی مردم‌پس‌اش به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر ایران بدل شد. آنچه او را جاودانه کرد نه فقط پیروزی روی تشک که فروتنی، دستگیری از محرومان و رفتار جوانمردانه‌اش با حریفان بود. تختی در ذهن ایرانیان، نماد پهلوانی اصیل و اخلاق ورزشی است. روایت‌های فراوانی از او نقل شده است: از زانو نزدن در برابر شاه گرفته تا کمک‌های پنهانی‌اش به نیازمندان جنوب شهر. همین ویژگی‌ها باعث شد، لقب «جهان پهلوان» را تنها بسرای او به کار ببرند. محبوبیتش چنان بود که حتی پس از مرگ مشکوکش در ۱۷ دی ۱۳۴۶ میلیون‌ها نفر در تشییع پیکرش شرکت کردند و آن مراسم به یکی از بزرگ‌ترین تجمع‌های مردمی پیش از انقلاب بدل شد. یاد تختی امروز، در سالروز تولدش، بیش از هر زمان دیگری یادآور این است که قهرمانی تنها به مدال و افتخار ورزشی محدود نمی‌شود؛ بلکه در صداقت، مردم‌داری و ایستادگی بر سر اصول اخلاقی معنا می‌یابد. او هنوز هم برای نسل‌های تازه الهام‌بخش است؛ الگویی که نشان می‌دهد، می‌توان در عین قدرت، فروتن و در عین شهرت، مردمی ماند.

سقوط و فروپاشی

نگاهی به دولت‌های آموزگار و شریف‌امامی و بن‌بست آنها

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

تابستان و پاییز ۱۳۵۷ در حافظه تاریخی ایران به‌عنوان فصلی توفانی ثبت شده است؛ فصلی که در آن تغییر پیاپی نخست‌وزیران رژیم سلطنتی نه تنها اِلْتِمای بر زخم‌های جامعه نبود بلکه خود به نمادی از بی‌ثباتی و استیصال پهلوی بدل شد. در کمتر از ۳ ماه، دولت جمشید آموزگار سقوط کرد، کابینه سوم جعفر شریف‌امامی روی کار آمد و خیلی زود او نیز در برابر امواج انقلاب تسلیم شد. این تغییرات در ظاهر تلاشی برای کنترل بحران بود اما در عمل نشان می‌داد، دستگاه سلطنتی شاه راهی برای مهار خشم جامعه ندارد.

جمشید آموزگار، مهندس و سیاستمدار تحصیل‌کرده در آمریکا در مرداد ۱۳۵۶ به جای امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری رسید. او نماد تکنوکرات‌های غربی بود؛ فردی که هم در بانک جهانی تجربه داشت و هم با لایه‌های مدرن حکومت آشنا بود. شاه او را برگزید تا چهره‌ای تازه و کارآمد به حکومت ببخشد به‌ویژه پس از سال‌ها نخست‌وزیری طولانی هویدا که به نمادی از سکون و فساد بدل شده بود.

آموزگار مأموریت داشت در چارچوب «فضای باز سیاسی» شاه عمل کند؛ سیاستی که ظاهراً به دستور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا برای رعایت حقوق بشر در ایران

طراحی شده بود اما این «باز شدن» بیش از آنکه فرصتی برای اصلاح باشد به بستری برای گسترش انتقادات و اعتراض‌های عمومی بدل شد.

از سوی دیگر، اقتصاد ایران در سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ گرفتار رکود تورمی شد. افزایش بی‌رویه درآمدهای نفتی در اوایل دهه، هزینه‌های کلان عمرانی و فساد گسترده به تورم افسارگسیخته دامن زده بود. وقتی آموزگار تصمیم گرفت با سیاست‌های انقباضی و محدودیت‌های اقتصادی تورم را مهار کند، رکود بر اقتصاد سایه افکند. بیکاری، تعطیلی کارخانه‌ها و نارضایتی کارگران از نتایج مستقیم این سیاست بود.

در دی ماه ۱۳۵۶ مقاله‌ای توهین‌آمیزی علیه امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات منتشر شد. واکنش طلاب قم و سرکوب خونین تظاهرات آنان، آغاز سلسله اعتراضاتی بود که هر چهلیم در شهری دیگر تکرار می‌شد. این چرخه خون و اعتراض، رژیم را وارد بحرانی بی‌سابقه کرد.

تابستان ۱۳۵۷ اوج این نارضایتی‌ها بود. در ۲۸ مرداد همان سال، فاجعه آتش‌سوزی در سینما رکس آبادان رخ داد و بیش از ۴۰۰ نفر در شعله‌های آتش سوختند. هرچند حکومت انگشت اتهام را به سوی مخالفان گرفت، افکار عمومی رژیم را مسئول دانست. چند هفته بعد، آموزگار در آستانه بحرانی بزرگ‌تر قرار گرفت که از آن به عنوان جمعه سیاه یاد کردند.

در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ نیروهای ارتش در میدان ژاله تهران به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. صدها نفر کشته و زخمی شدند. این واقعه مشروعیت رژیم را در چشم جامعه به شدت تخریب کرد. آموزگار نه توانست مسئولیت آن را بپذیرد، نه قادر بود پاسخی قانع‌کننده ارائه دهد. شاه هم که آموزگار را دیگر بی‌فایده می‌دید، او را وادار به استعفا کرد.

۵ شهریور ۱۳۵۷ درست پیش از واقعه ۱۷ شهریور، جعفر شریف‌امامی به‌عنوان نخست‌وزیر جدید معرفی شد. این نخست‌وزیری برای او سومین تجربه بود. او پیش‌تر ریاست مجلس سنا را بر عهده داشت و در محافل مذهبی نیز حضوری پررنگ داشت؛ به همین دلیل شاه او را به‌عنوان چهره‌ای میانه‌رو و قابل قبول برای روحانیون معرفی کرد. شریف‌امامی با شعار «دولت آشتی ملی» آغاز به کار کرد. نخستین اقداماتش



به‌روشنی در جهت جلب اعتماد مذهب‌یون و افکار عمومی بود؛ اول لغو تقویم شاهنشاهی و بازگشت به تقویم هجری شمسی، بعد تعطیلی قمارخانه‌ها و مراکز فساد، سوم آزادی نسبی مطبوعات و قول به رعایت آزادی بیان و در آخر کمیسئون‌هایی برای بررسی فساد مالی مقامات تشکیل داد. این اقدامات که در رسانه‌های وقت بازتاب پررنگی یافت در نگاه نخست، نشانه‌ای از عقب‌نشینی حکومت تلقی شد اما جامعه‌ای که زخمی از کشتارهای ماه‌های پیش بود، دیگر به وعده‌های شاه و نخست‌وزیرانش اعتماد نمی‌کرد.

دولت شریف‌امامی از همان آغاز با بحران‌های پیاپی مواجه بود. اعتصاب‌های کارگری که در دوران آموزگار آغاز شده بود، در پاییز ۱۳۵۷ شدت گرفت. کارگران صنعت نفت، کارمندان بانک‌ها، معلمان و کارکنان ادارات دولتی یکی پس از دیگری دست از کار کشیدند. اعتصاب صنعت نفت، شریان حیاتی اقتصاد ایران به‌ویژه برای رژیم ویرانگر بود. کاهش تولید و صادرات نفت به معنای کاهش شدید درآمد دولت بود، آن هم در زمانی که شاه به پول نفت برای اداره کشور وابستگی مطلق داشت. از سوی دیگر مطبوعات که با فضای بازتری مواجه شده بودند با تیت‌های تند و انتقادی دولت را زیر سؤال می‌بردند. روزنامه‌ها وقایع خونین، فسادها و اعتراض‌های مردمی را بازتاب می‌دادند و دیگر نقش بوق تبلیغاتی رژیم را بازی نمی‌کردند.

نقطه عطف دولت شریف‌امامی حادثه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ بود. در این روز، دانش‌آموزان و دانش‌جویان در تهران تجمعی اعتراضی داشتند. ارتش به سوی آنان آتش گشود و ده‌ها نفر کشته شدند. این کشتار در قلب پایتخت، آخرین امیدها به موفقیت دولت آشتی ملی را بر باد داد. از آن پس، تظاهرات وسیعی در شهرهای مختلف شکل گرفت. مردم دیگر فقط اصلاحات نمی‌خواستند؛ شعار اصلی «مرگ بر شاه» بود. شریف‌امامی نه توان کنترل اوضاع را داشت و نه توان جلب اعتماد عمومی.

در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ شریف‌امامی استعفا داد. او تنها ۷۰ روز دوام آورده بود. شاه درنهایت به آخرین راه‌حل متوسل شد که آن تشکیل دولت نظامی به ریاست ارتشبد غلامرضا اژه‌اری بود اما این نیز دردی را دوا نکرد. انقلاب به نقطه‌ای رسیده بود که هیچ تغییر کابینه‌ای نمی‌توانست، مانع سقوط سلطنت شود.

مرور کارنامه این دو نخست‌وزیر نشان می‌دهد که مساله اصلی نه در افراد که در ساختار قدرت بود. آموزگار تکنوکراتی بود که گرفتار بحران اقتصادی و فشارهای سیاسی شد. شریف‌امامی، سیاستمداری میانه‌رو بود که با امتیازات مذهبی تلاش کرد، اوضاع را آرام کند اما هر دو در نهایت به یک سرنوشت دچار شدند و آن شکست در برابر موج انقلابی که مشروعیت رژیم را اساساً انکار می‌کرد.

شاه می‌پنداشت با تغییر نخست‌وزیران و جابه‌جایی چهره‌ها می‌تواند زمان بخرد. اما جامعه ایران دیگر به کمتر از تغییر بنیادین رضایت نمی‌داد. سیاست «فضای باز سیاسی» عملاً درهای اعتراض را گشود، بدون آنکه رژیم

ظرفیت پاسخ‌گویی و اصلاح واقعی داشته باشد.

انحلال دولت آموزگار و تشکیل دولت سوم شریف‌امامی امروز به‌عنوان نشانه‌ای از فروپاشی درونی رژیم پهلوی تحلیل می‌شود. تغییر پیاپی نخست‌وزیران در فاصله چند ماه، بی‌ثباتی سیاسی و سردرگمی حکومت را آشکار کرد. جامعه دریافت که شاه نه برنامه‌ای برای اصلاح دارد و نه اراده‌ای برای تغییر ساختار قدرت. از منظر تاریخی نیز این دوران نشان داد که عقب‌نشینی‌های تاکتیکی و امتیازات دیرنجام در شرایطی که مشروعیت حکومت پهلوی به کلی از میان رفته بود، هیچ اثری نداشت. وقتی اعتماد عمومی فرو بریزد، هیچ تغییری در سطح مدیران اجرایی نمی‌تواند بحران را مهار کند.

پاییز ۱۳۵۷ نقطه اوج بحرانی بود که سال‌ها انباشت شده بود. آموزگار قربانی سیاست‌های اقتصادی و سرکوب‌های خونین شد؛ شریف‌امامی قربانی بی‌اعتمادی عمومی و عمق نارضایتی‌های اجتماعی. هر دو، با همه تفاوت‌هایشان، در برابر واقعیتی واحد شکست خوردند. جامعه ایران تصمیم خود را گرفته بود و دیگر هیچ نخست‌وزیری قادر به بازگرداندن وضع سابق نبود. آنچه رخ داد، روایت سقوط دو نخست‌وزیر نبود؛ بلکه پیش‌درآمدی بود بر سقوط سلطنتی که گمان می‌کرد با نفت، ارتش و حمایت‌های ویژه غرب می‌تواند تا ابد دوام بیاورد اما واقعیت این بود که در برابر خواست عمومی مردم در سال ۵۷ هیچ دولتی توان ایستادگی نداشت.